

**کارگران و زحمتکشان
متحد شوید**

با تمام توان خود ماهیت ارتجاعی جنگ
را افشا، و با مقاومت مسلحانه خود از منافع
زحمتکشان دفاع کنیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۷۸ - Iranian Bibliothek in ...

۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

سه شنبه ۸ مهر ماه ۱۳۵۹

ماهیت جنگ دولتهای ایران و عراق و موضع ما

داشته باشد، نمی تواند بطور کلی جنگ را محکوم و یا از آن دفاع کند. بلکه دفاع و یا محکوم کردن جنگ دقیقاً "به ماهیت و خصلت طبقاتی جنگ بستگی دارد."

بقیه در صفحه ۲

کمونیستهای با دید با بررسی و افشای ماهیت این جنگ صریحاً مواضع خود را در قبال آن روشن کرده و وظیفه انقلابی و انترناسیونالیستی خود را انجام دهند. کسی که بخواهد موضعی پرولتاریائی در قبال جنگ

وسیع و منظم درآمده است و این دو دولت تمام منابع، امکانات و نیروهای خود را برای رودرروئی با یکدیگر بخدمت گرفته اند، شناخت ماهیت این جنگ و موضع گیری درست و اصولی از سوی کمونیستها دارای اهمیتی بسیار عظیم است.

توسط همان طبقه در حین جنگ ادامه می یابد. تنها شکل عمل تغییر می کند. (جنگ و انقلاب - لنین) اکنون که جنگ دولتهای ایران و عراق ابعاد گسترده تری بخود گرفته و بر خورددهای پراکنده مرکزی بصورت یک جنگ

"جنگ ادا مه سیاست با" و سائل دیگرست. تمام جنگها از نظامهای سیاسی که آنها را پدید می آورد جدائی ناپذیرند. سیاستی که یک دولت معین، یک طبقه معین در درون آن دولت، پیش از جنگ برای مدتی طولانی اعمال می کند، ضرورتاً

● نظام اداری حاکم و سیاستهای هیئت حاکمه

تصویب نامه شورای انقلاب در رابطه با کاهش کارمندان "زائد" که بصورت یا: نشسته کردن، باز خرید و انفصال از خدمت... و بدنبال آن دستور حجاب اجباری برای زنان کارمندان و بالاخره اضافه کردن ساعات کار کارمندان، مجموعه سیاستهای هیئت حاکمه در مورد سیستم اداری موجود است، اقداماتی که بهیچوجه با سخوی نیازها و خواستههای توده ها نیست و بنا بر این لازمست که ما هیئت این اقدامات هر چه بیشتر برای توده های مردم افشاء شود. اساساً در کشورهای که سیستم سرمایه داری حاکم است، یک ماشین اداری همانند ماشین نظامی برای حفظ وجودیت این سیستم اجتناب ناپذیر و جزء ذاتی این سیستم محسوب میشود.

بقیه در صفحه ۱۱

● دفاع از نظام سرعایداری زیرپوشش مکتب

● رئیس مجلس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی

● مقتضیات جمهوری اسلامی و معلمین مبارز و آگاه

● چند سؤال از "کمیته مرکزی"

نامه جمعی از کارگران آگاه و مبارز اهواز ص ۱۳

● در برخورد با مسأله گروگانها

جاسوسان آمریکائی باید محاکمه شوند

ارسال نامه ۱۸۵ تن از نمایندگان کنگره آمریکا به مجلس شورا و درخواست آزادی گروگانهای آمریکائی و پاسخ ملامت و آشتی جوینا نه مجلس شورا، بدنبال موضع گیری آیت الله خمینی که شرایط سهلی برای آزادی گروگانها مطرح کرده بود، یکبار دیگر ماهیت هیئت حاکمه و اقدامات آنرا به توده ها نشان میدهد. هر چند نامه مجلس شورا و موضع گیری آیت الله خمینی که در حقیقت فتح باب و گره گشای مسئله بود، مجدداً مسئله گروگانها را در جامعه مطرح کرد و طرح آن در مجلس بار دیگر آرایه مسئله داغ روز تبدیل نمود، اما تذکر یک نکته در اینجا ضروریست و آن اینکه: اگر تسخیر سفارت و گروگان گیری جاسوسان آمریکائی در روزهای اول برک برنده ای بود که هیئت حاکمه، از جمله سران حزب

بقیه در صفحه ۶

● طرح ارزشیابی کارگران اقدام دیگر است علیه کارگران

صفحه ۵

تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله با هرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

ماهیت جنگ دولتهای ایران و عراق و موضع ما

بقیه از صفحه ۱

برای شناخت عادلانه و بی‌غیر عادلانه بودن جنگ، انقلابی و بی‌انقلابی بودن آن باید روشن شود که چه چیزی باعث و علت جنگ بوده است. کدام طبقات بدان دامن زده اند و چه اهدافی را دنبال می‌کنند. کسی که بدون در نظر گرفتن خصلت طبقاتی جنگ و ماهیت آن، از تأثیر و درگیری بطور کلی سخن گوید، یا دچار ماجراجوییهای آنارشستی شده و یا با اتخاذ سیاستهای ناسیونال شوینیستی عملاً دنباله‌رو و صحنه‌گذار سیاستهای بوزوازی خواهد شد.

بدین منظور لازمست که قبل از هر چیز خصلت و ماهیت جنگ دولتهای ایران و عراق را روشن کنیم. اگر بپذیریم که جنگ ادا ماهیست بنا بر سیاست دیگر شرایط دیگر است. پس لازمست که سیاست اعمال شده پیش از آغاز جنگ را از جانب دولتهای ایران و عراق یعنی سیاستی که منجر به جنگ شد بررسی کنیم. چنانچه سیاستی که از جانب این دولتها پیش از آغاز جنگ اعمال شده در خدمت منافع توده‌ها و علیه ضد خلق بوده است در آن صورت ادا ماهیست سیاست بشکل دیگر یعنی جنگ یا بعبارتی ادا ماهیست بشکل قهرآمیز نیز، انقلابی و عادلانه است. اما اگر سیاست اعمال شده از جانب این دو دولت سیاستی ستمگرانه، استثمارگرانه و علیه توده‌های زحمتکش بوده است ادا ماهیست سیاستی بصورت جنگ نیز ضد انقلابی و غیر عادلانه است.

بنا بر این از آنجائیکه سیاست خارجی ادا ماهیست سیاست داخلی است و از آنجائیکه جنگ ادا ماهیست سیاست داخلی است، پس خصلت جنگ و ماهیت آن اساساً به رژیم داخلی آن کشور بستگی دارد. رژیم ارتجاعی و ضد خلقی عراق که سیاست داخلی آنرا دفاع از منافع سرمایه‌داران وابسته این کشور تشکیل می‌دهد، سالهاست که سیاست سرکوبگرانه و ستمگرانه‌ای نسبت به خلقهای عراق روا داشته است. این رژیم که با گذشت هر روز بزرگوارتر و با بستگی اش به امپریالیسم جهانی افزوده شده است اکنون بمتنا به نمایندگی بوزوازی و وابسته این کشور یک رژیم فاشیستی و ارتجاعی در عراق برقرار ساخته و توده‌های تحت ستم عراق را زیر فشار و سرکوب قرار داده است.

بزرگی طلب را در منطقه خلیج فارس ایفا کند و با دست گرفتن مناطق استراتژیک در دریا و خشکسای، موقعیت خود را تثبیت نماید. از سوی دیگر رژیم عراق که در میان توده‌های آن کشور فاقد هرگونه پایگاهی است، تلاش می‌کند با برانگیختن موج ناسیونالیسم عربی توجه توده‌ها را از مسائل اساسی منحرف کرده و ناراضی‌های عمومی را به کانهالهای انحرافی سوق دهد. از این رو تماماً آنچه گفته شد، نشان می‌دهد که این جنگ از جانب دولت عراق، جنگی غیرعادلانه و ارتجاعی است.

رژیم جمهوری اسلامی نیز که با سرنگونی رژیم مزدور شاه در ایران استقرار یافته است، از منافع بوزوازی متوسط ایران دفاع می‌کند، این دولت علیرغم تضادهای خود با بوزوازی بزرگ و امپریالیسم آمریکا حافظ و حامی سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران است. رژیم جمهوری اسلامی در طی یکسال و نیم گذشته با تکیه بر ارگانهای ستمگری بوزوازی و با استفاده از اعتمادناگاهانه توده‌ها به استثمار و ستم بر توده‌ها پرداخته است و بقره‌ضداً انقلابی علیه آنها متوسل شده است. سیاست داخلی این دولت در همین مدت کوتاه با شکارترین وجهی ماهیت ارتجاعی سیاستهای آنرا نشان می‌دهد. رژیم جمهوری اسلامی خلقهای کرد، ترکمن و عرب را سرکوب کرد، یحماییت از سرمایه‌داران و زمینداران ببارزه‌بسی کارگران و دهقانان دست زد، نیروهای انقلابی را تحت فشار و سرکوب قرار داد، دوهم اکنون نیز در حالی که با دولت عراق در جنگ است، روستاها و شهرهای کردستان را بمباران و سرکوب می‌کند و توده‌ها را خلع

سلاح می‌نماید. در زمینه سیاست خارجی نیز روابط حسنه‌ای با امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی برقرار ساخته و تحت لوای پاناسلا میسم به ارتجاعی‌ترین جنبشها نظیر مرتجعین افغانستان، سازمان اسل در لبنان، کمک کرده است. بدین لحاظ اگر سیاستی که یک دولت معین در مرحله پیش از جنگ، در سیاست داخلی و خارجی و سیستم سیاسی خود اعمال کرده است، در حین جنگ نیز ادا ماهی خواهد بود. دولت جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و ادا ماهیستهای آن بشکل دیگر یعنی جنگ انقلابی نیست، بنا بر این جنگ از سوی دولت ایران نیز نمیتواند انقلابی و عادلانه ارزیابی شود. دولت ایران مدعی است که دولت عراق نخست جنگ و تجاوز آنرا از کرده و ما در مقابل آن از خود دفاع می‌کنیم، دولت عراق نیز بگونه‌ای دیگر سیاستی تجاوزکارانه خود را توجیه می‌کند و دولت ایران را تجاوزکار مینامد.

با اعتقاد ما ادا ماهیستهای کوچک از این دو دولت نمی‌تواند دلیلی بر حقانیت آنها باشد. مسئله بر سر این نیست که کدما میک پیش و بیش از دیگری حمله کرده است، این امر بهیچوجه ماهیت جنگ و حقانیت یکطرف و نیروی تجاوزکار را روشن نمی‌کند. هر دو این دولتها سیاستی تجاوزکارانه در پیش گرفته اند و هر دو از مدت ها قبل خود را برای جنگ علیه یکدیگر آماده کرده بودند. سیاستهای داخلی این دو دولت و نظام سیاسی حاکم بر این دو کشور است که ماهیت غیرعادلانه و غیرانقلابی جنگ را از دو طرف روشن می‌سازد. سوسیالیستونیه‌های ما و در راس آنها

بقیه در صفحه ۱۲



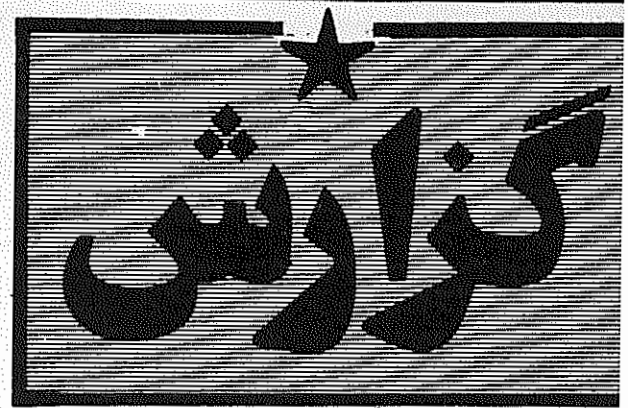
هم میهنان مبارز!

باید با حفظ آمادگی و هوشیاری دائمی، با تقویت شوراهای واقعی، با بسیج و تسلیح توده‌های زحمتکش، برای حفظ دستاوردهای قیام بهمن ماه و مقابله با تجاوزات نظامی عراق و توطئه محافل ارتجاعی و مزدور امپریالیسم، آماده عمل شویم.

ت. الف ۱۱

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



سوء استفاده در ایران ناسیونال

متهمان سوء استفاده بزرگ در ایران ناسیونال ممنوع الخروج شدند

* از دفتر رئیس جمهوری نامه‌های برای رسیدگی به پرونده این چریان اعزام شد.
* یک شبکه وسیع این سوء استفاده بزرگ را طرح کرده و بحرانی اجرا گذاشته است.
در صفحه ۲

می بینیم که صحبت از یک شایعه نیست بلکه صحبت از یک "سوء استفاده" است مسئله را بیشتر بشکافیم - صورت جلسه "در جلسه مشترک شورای کارکنان ایران ناسیونال و کارکنان شرکت سهامی خاص بهیه و توزیع قطعات و لوازم یدکی محصولات ایران ناسیونال که با حضور نماینده کمیته امام مستقر در کارخانه و نماینده انجمن اسلامی کارکنان ایران ناسیونال و نماینده دفتر ریاست جمهوری روز یکشنبه ۵۹/۶/۱۶ در دفتر شورای کارکنان تهیه و توزیع تشکیل گردید تصمیمات زیر اتخاذ شد و با توافق آراء مورد تصویب قرار گرفت:

"همکاران عزیز! بطوریکه اطلاع دارن در روز چهارشنبه ۵۹/۶/۱۶ با خارج شدن نداری لوازم یدکی از انبار رکت تهیه و توزیع (پی.ال. سابق) در ارتباط با فروش یازم یدکی از طریق مزایده، ایضات گوناگونی بوجود آمد که لازم میدانند و قایم را بجوی که اتفاق افتاده طلایع همکاران برسانند... از کلیه همکاران عزیز انتظار آردهما نظوریکه بارها یادآور دما ز قبول و نشر هرگونه ایضات در هر مقیاس بپرهیزند مبادا اخدای ناکرده دچار شی شده مواز مواضع اسلامی وورافتمیم... مدیران منتخب دولت "آنچه نقل شد نشی از متن "اطلاعه شماره ۱" مدیران منتخب دولت رکت سهامی خاص تهیه و توزیع قطعات و لوازم یدکی محصولات ایران ناسیونال " ده که در تاریخ ۵۹/۶/۱۹ - آدرشده است. و حکایت از بود شایعاتی (!) در کارخانه نظیم ایران ناسیونال می کنند ابینینیم واقعیت این شایعات" هلو شده است. روز نامه اطلاعات شماره ۲۷ هر یوز ۵۹ در صفحه اول خود نین نوشته است " متهمان و استفاده بزرگ در ایران سونال ممنوع الخروج دند" و "یک شبکه وسیع این سوء استفاده بزرگ را طرح کرده هر حمله اجرا گذاشته است."

۱- اجناسی که طی درخواست شماره ۲۵۹۸۱ مورخ ۵۹/۶/۴ از انبار خسارج شده اند تا تعیین تکلیف آنها توسط مراجع قانونی و تأیید شورای کارکنان ایران ناسیونال بداخل انبار برگشت داده شود و محافظت اجناس مذکور با کمیته مستقر در ایران ناسیونال خواهد بود.
۲- اشخاص نامبرده زیر: آقایان کرتاش، جلایسر، رحمتی، خان بیگی نعیمی و دونفر به اسمی علی اکبر گلاب و هادی آقادی که فعلا در مظان اتهام می باشند تا رسیدگی با تمام آنها از طرف دادستانی کل انقلاب در اختیار کمیته مستقر در ایران ناسیونال خواهند بود (توضیح آنکه این افراد در تاریخ ۵۹/۶/۳ توسط همین کمیته آزاد شده بودند) ...
۴- شورای کارکنان ایران ناسیونال طی نامه‌ی به وزارت صنایع و معادن مدیریت آقای مخلص مدیر عامل شرکت را رد کرده و رضایتی هائی را که بوجود آورده اعلام و تقاضای رسیدگی سریع بنمایند.
۵- شورای کارکنان ایران ناسیونال و شورای کارکنان تهیه و توزیع متفقاً میخواهند تاروشن شدن مسئله فروش اجناس مورد بحث اجرای حکم اخراج آقای خلیلی یکی از نمایندگان شورای با توجه به نقش شخص مذکور در افشای این مسئله و تاریخ صدور حکم اخراج، و شخص امضاء کننده حکم، که خود در مظان اتهام است به تعویق افتد ...

شورای کارکنان کارخانجات صنعتی ایران ناسیونال و اداره لوازم یدکی به این ترتیب کاملاً روشن شده است که مسئله یک شایعه نیست بلکه یک "سوء استفاده" است. امام موضوع مهمتر از اینهاست. ابعاد بسیار عظیم تری دارد در حد یک رسوائی. به خبر روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۲۵۴ بتاريخ ۵۹/۶/۲۵ توجه کنید. "در پی حمله افراد مسلح کمیته مدرسه صدر بدادگاه ویژه امور صنفی این دادگاه به حالت تعطیل درآمد. ضمن تماس با روابط عمومی دادگاه ویژه امور صنفی، از این مرکز کسب اطلاع کردیم.
در پی دستگیری عده‌ی بی‌اعتمادی عوامل سوء استفاده‌های کلان در فروش اتومبیل‌های ایران ناسیونال از جمله آقای مرتضی خویش خواه نماینده دادستانی در ایران ناسیونال که در اصفهان ضمن فرار توسط سپاه پاسداران دستگیر شده بود. دیروز افراد مسلح کمیته صدر بدادگاه ویژه امور صنفی حمله کردند و در حالیکه دادگاه مشغول رسیدگی به سوء استفاده‌های کلان نمایندگان ایران ناسیونال و همچنین موارد دیگری از سوء استفاده‌ها در مورد شرکتهای تجاری و تجارت عمده بود افراد دادگاه را خلع سلاح کردند.
تصور می‌کنیم دیگر کاملاً مورد قبول و تأیید ما شده که قضیه نه یک شایعه، نه یک سوء استفاده بلکه یک رسوائی کامل است آنهم نه یک رسوائی عادی و شخصی و محدود. بلکه رسوائی یک دولت. دولتی که تبلیغاتش گوش همگان را کر کرده است رسوائی دولتی که "غیبر وابسته" است (!) و شدیداً

در پی حمله افراد مسلح کمیته مدرسه صدر بدادگاه ویژه امور صنفی این دادگاه به حالت تعطیل درآمد
رسیدگی به سوء استفاده‌های بسیار کلان نمایندگان ایران ناسیونال و همچنین موارد دیگری از سوء استفاده‌ها در مورد شرکتهای تجاری و تجارت عمده بود افراد دادگاه را خلع سلاح کردند. افراد کمیته صدر که هیچگونه حکمی مبنی بر دخالت در امور دادگاه نداشتند به حاکم شرع نیز اهانت نمودند. دادگاه ویژه به علت عدم تأمین جانی از دیروز عصر به حالت تعطیل درآمد و تا اطلاع ثانوی نیز این دادگاه تعطیل خواهد بود.

درگیر مبارزه ضد امپریالیستی (!) می پرسید چرا؟ باین خبر دیگر که از مجله تایم (۸ سپتامبر ۱۹۸۰ - ۱۷ شهریور ۱۳۵۹) ترجمه شده است توجه کنید: "از واسط اکتبر سال ۱۹۶۷ سه شرکت تولید کننده اتومبیل (جنرال موتورز، فورد و کرایسلر) کمترین تعداد اتومبیل را فروخته اند کرایسلر بیش از همه شرکتها در تاریخ تجارت آمریکا ضرر کرده است (۲ میلیارد دلار در طول هیجده ماه گذشته) امروزه شرکت فقط به کمک ۱/۵ میلیارد دلار وامی که دولت فدرال آمریکا و داده است سرپا ایستاده است.
ممکن است پرسیده شود که چرا بطبعی بین این اعلامیه‌ها و اطلاعاتها و اخبار وجود دارد. پاسخ این است که اولاً شرکت ایران ناسیونال به کمپانی هیلمن (انگلستان) وابسته است و شرکت هیلمن یکی از شرکتهای با عبارت ساده‌تر شعبات همین کمپانی کرایسلر است.
ثانیاً هم‌قالبه با ورشکستگی کمپانی کرایسلر فروش هر چه بیشتر بیگان (این تحفه کمپانی هیلمن) در کشورهای تحت سلطه از جمله ایران است. و جالب این است که تولید کنندگان با همه تحریم‌ها (!) و مشکلات و فشارهای اقتصادی امپریالیست‌ها از جمله آمریکا (یعنی دولت حامی همین کمپانی کرایسلر) در طی ماههای اخیر به ۳۶۰ عدد در روز رسیده است (سالانه ۱۲۹۶۰۰ عدد که اگر از هر کدام ده هزار تومان سود ببرد سالانه معادل یک میلیارد دو بیست و نود و شش میلیون تومان سود برده است و هر روز نیز همین آقای مخلص مدیر عامل شرکت (که در سرکوب کارگران هرگز کوتاهی نکرده است و اخیراً شصت نفر از کارگران را با اتهام اخلاصگری اخراج کرده است) کارگران را شلاق کش می‌کند که بخاطر مبارزه با امپریالیسم (!) و مقابله با تحریم، تولید را افزایش دهند.
حالا شما درباره مبارزه ضد امپریالیستی دولت "غیبر وابسته" ملی! و مترقی! قضاوت کنید و پورتونیست‌ها نیز در صورتی که منافع طبقاتیشان اجازه دهد می‌توانند کمی باین مسئله فکر کنند (!!)

**رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی
دمکراتیک خلقهای ایران است**

کارگران کارخانه "پوشش" خواهان آزادی نمایندگانشان هستند

کردند. چه برخوردهای شناخته شده‌ای!! هنوز ظنیس نظیر این حملات و اقدامات رژیم پیشین درگوش کارگران از بین نرفتند که رژیم جمهوری اسلامی بشکلی دیگر آنها را یادآور می‌شود.

در ناموس بورژوازی (چه متوسط و چه بزرگ) حق طلبی کارگران همواره "اقدام بر علیه رژیم" محسوب می‌شود. بگوئیم تا با همبستگی، تشکل و مبارزه با اینگونه اقدامات مانع تثبیت اهداف ضد کارگری حاکمیت گشته و همکاران زحمتکش خود را آزاد کنیم.

بدنبال اخراج ۲۵ تن از نمایندگان شورا و کارگران مبارز کارخانه پوشش گیلان، اعتراض وسیعی توسط کارگران صورت گرفت. حمایت کارگران از همکاران اخراجی شان آنچنان با شکوه بود که رژیم جمهوری اسلامی را بوحشت انداخته، و با استقرار پاسداران در کارخانه یاد دیگر حمایت خود را از سرمایه‌داران و وحشتشان را از اتحاد و تشکل کارگران بدنمایش گذارد. حتی تحت این شرایط نیز اکثریت قاطع کارگران مجمع عمومی خود را تشکیل داده و با تصویب قطعنامه‌ای خواهان توضیح حضوری

بدنبال اخراج ۲۵ تن از نمایندگان شورا و کارگران مبارز کارخانه پوشش گیلان، اعتراض وسیعی توسط کارگران صورت گرفت. حمایت کارگران از همکاران اخراجی شان آنچنان با شکوه بود که رژیم جمهوری اسلامی را بوحشت انداخته، و با استقرار پاسداران در کارخانه یاد دیگر حمایت خود را از سرمایه‌داران و وحشتشان را از اتحاد و تشکل کارگران بدنمایش گذارد. حتی تحت این شرایط نیز اکثریت قاطع کارگران مجمع عمومی خود را تشکیل داده و با تصویب قطعنامه‌ای خواهان توضیح حضوری

تحصن زحمتکشان شرکت واحد و پیروزی در تحقق خواسته‌هایشان

عامل بعد از ۶/۵ ساعت انتظار کارگران در آن موقع شب و یکس از حضور در جمع بد آنها چه گفت؟ او به محض دهان باز کردن تهدید را آغاز نمود. کارگران را که پس از ۸ ساعت کار طاقت فرسا در روز، شش و نیم ساعت هم انتظار رکشیده بودند، ضد انقلاب خطاب کرد و هر چه زده‌هاش می‌توانست بچرون آید در سایه حمایت سلاح پاسداران نشان کارگران کرد. کارگران که کاسه صبرشان لبریز شده بود و دیگر توهین‌های او را نمی‌توانستند تحمل کنند یکباره بطرف او تیراندازی هواپی جلوبی کارگران را گرفتند و "هندی" را فراری دادند. روز بعد (۶/۲۶) مجدداً از ساعت ۹ شب کارگران در همان محل جمع شدند. در این شب را نندگان و کک را نندگان منطقه ۳ و ۴ نیز به آنان پیوستند. تعداد متخصصین به حدود ۲۰۰۰ نفر رسیده بود. کارگران در این تجمع اتحاد قابل تحسینی از خود نشان دادند. آنها اکنون دیگر علاوه بر لغو بخشنامه‌های ضد کارگری خواستار قاطعانه اخراج "هندی" مدیرعامل شرکت واحد بودند. شب دوم نیز تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب کسی برای رسیدگی به خواسته‌های آنها مراجعه نکرد. کمیته‌چی‌ها که در حول و حوالی آنها پرسه می‌زدند بدلیل نداشتن بهانه‌ای از کارگران نمیتوانستند دست به اقدامی بزنند. تا اینکه حدود ساعت ۲/۵ بعد از نیمه شب برای اینه‌باز بجای "مدیرعامل" آخوند کمیته منطقه ۵ نارمک بنام جلالی برای صحبت با معترضین در جمع حضور یافت. جلالی نیز پس از مقداری مقدمه‌چینی از آنها خواست که متفرق شوند. اما کارگران با او مخالفت کرده و یکپارچه

بدنبال بخشنامه‌ای که چندی قبل توسط "هندی" مدیرعامل شرکت واحد در ضد اعتراض زحمتکشان شرکت واحد آغاز شد. در این بخشنامه مرخصی را نندگان و کک و همچنین مرخصی هفتگی لغو شده و کسر ساعات کار آنان در هفته، به علاوه اضافه کار ریمیمی از نندگان و کک را نندگان در روزهای تعطیل لغو گردیده است.

اعتراض کارکنان شرکت واحد از منطقه ۳ واقع در نازی آباد شروع شد و کم‌در بخشهای دیگر نیز با و گرفتند. کارکنان این شرکت که جزئی از زحمتکشان ایران می‌باشند اعتراضات خود را از اشکال ابتدائی مراجعه به مسئولان و اعتراضات فردی به این مصوبه آغاز کردند. اما پس از گذشت حدوداً یکماه خوبی پی بردند که بدون اتحاد و تشکل نمیتوانند از حقوق خود دفاع کنند. روز سه شنبه ۶/۲۵ را نندگان و کک را نندگان مناطق ۱ و ۲ پس از پایان ساعت کارشان (۹ شب) در محل شرکت واقع در نارمک تحصن کردند. خواستار بلاواسطه آنها حضور "هندی" مدیرعامل شرکت و روشن کردن تکلیفشان بود. لذا بلافاصله به "هندی" تلفن زده و او را در جریان قرار دادند. اما او از حضور در جمع امتناع کرد و سعی نمود با وعده و وعیدهای بی اساس کارگران را متفرق کند. اما کارگران همچنان برخواست خود با فشاری می‌کردند و میگفتند "تا مدیرعامل در اینجا حاضر نشود، این مکان را ترک نخواهیم کرد". بالاخره در ساعت ۳/۵ بعد از نیمه شب "هندی" با چند پاسدار مسلح در محل حاضر شد. حدس می‌زنید مدیر

تحصن کارگران شرکت صنایع دریایی

مشاور سیاسی استاندار به جمع کارگران آمد و اظهار داشت که "تحصن در موقعیت فعلی عملی ضد انقلابی است" اما کارگران که در طول مدت بعد از قیام، به خوبی دریافته‌اند چگونه کارفرمایان و دولت حامی آنان، این موقعیت فعلی و "حاسن" را بهانه‌ای کرده‌اند برای حفظ سرمایه‌داری و متلاشی کردن مبارزات برحق کارگران، با شنیدن حرف معاون سیاسی استاندار، او را هو کرده و از جمع خود راندند.

در ضمن کارگران نساچی و چند شرکت ساختمانی و محله‌های کارگرنشین مانند صلح آباد و... از تحصن کارگران شرکت صنایع دریایی حمایت کردند.

کارگران شرکت صنایع دریایی در شهر به منظور دست یافتن به خواسته‌های برحق خود دست به تحصن زدند. این کارگران از دوران دولت موقت مجذانه در جهت ملی کردن شرکت و به رسمیت شناختن شورا از سوی دولت، مبارزه خود را آغاز کرده‌اند و دولت نیز همواره آنها را تحت فشار گذاشته است. چند بار دولت قصد داشت شرکت را منحل کند اما کارگران از این عمل جلوگیری کردند و حتی برای اینکه نگذارند شرکت منحل شود حاضر شدند حقوق نگیرند. کارگران در ادامه مبارزات پیگیرانه خود به منظور ملی کردن شرکت و رسمیت داشتن شورا، مجدداً از روز ۶/۹ تحصن اختیار کردند. بدنبال تحصن کارگران،

اعلام کردند که تا روشن شدن وضعیتشان که اخراج "هندی" و لغو مصوبات اوست همینجا خواهند ماند. جلالی که کارگران را مصمم و متحد دید ناچار شد تلفنی با چند جا و بقول خودش "دفتر ریاست جمهوری و جاهای دیگر" صحبت کند. او پس از این تماسها از جانب مقامات دولتی به کارگران قول داد که فردا یعنی روز بیست و هفتم شهریور "هندی" عوض شود و بالاخره کارگران در ساعت چهار صبح با موفقیت تحصن را ترک کردند و یکبار دیگر ثابت کردند که کارگران با اتحاد خود قادر خواهند بود خواسته‌های خود را متحقق نمایند.

راننده‌ها، کمک راننده‌ها و تمام می زحمتکشان آگاه شرکت واحد بخوبی میدانند که این اولین گام در جهت تحقق خواسته‌هایشان بوده و هنوز راه طولانی در پیش دارند که باید همچنان با زور و در بازوی یکدیگر متحداً به پیش روند.

۳ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است

طرح "ارزشیابی کار کارگران" اقدام دیگریست علیه کارگران

دروغگویان وعوامفریبان حافظه‌اند

در رابطه با سندی که کار ۷۱ از محمد علی رجائی بعنوان سها مدار شرکت سا ختمانی اهداف افشاء نمود، روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ یکشنبه ۱۵۹/۶/۹ دعا میکند که شرکت اهداف منظور فعالیت سیاسی و آموزشی تا سپس شده است. این سؤال برای خواننده بوجود می‌آید، در حالیکه سند مندرج در کار ۷۱ مربوط به سال ۱۳۵۸ می‌باشد، آیا در این رژیم هم آقایان محبور هستند که برای فعالیت‌های سیاسی خود پوشش تجاری داشته باشند؟ این آقایان که خود در راس حکومت قرار دارند برای چه کسی مخفی کاری می‌کنند؟ این مخفی کاری برای فریب‌توده‌های زحمتکش است تا به ماهیت واقعی آنان پی نبرند. اما تاریخ از اینگونه عوام‌فریبی‌ها زیاد بخود دیده است.

میزان تولید در واقع یا نشان دادن میزان علاقه به کارمیتوان به اضافه دستمزدی رسید. دیگر چه ضرورتی دارد که با اعتصاب و اعتراض کارفرما را وادار به پرداخت بخش ناچیز دیگری از حقوق نهائی نمود؟ بدین ترتیب کارفرمایان به خیال باطل خود در آینده با وجود اعتصاب شکنانی که گول فریبکاریهای آنها را خورده‌اند و بوعده وعید آنان دلخوش کرده‌اند، خواهند توانست با ایجاد تفرقه و دودستگی بین کارگران با خیالی آسوده تریبا استثمار آنان مشغول گردند! شورای انقلاب کوشیده‌است در ذهن توده‌های کارگران توهم را ایجاد نماید که گویا کارفرمایان خود با میل و رغبت به افزایش دستمزد کارگران همت می‌کنند و دیگر به "سروصداران" نداشتن نیازی نیست. باید مرتب بود و اگر کسی خواست اعتراضی نماید باید با احساس مسئولیت مانع آن شد تا تولید افزایش یافته و در نتیجه در آخر سال هم شاید دستمزد افزایش یابد!

تنها شوراهای واقعی هستند که قادرند میزان دستمزد و افزایش آن را تعیین نمایند نه نمایندگان کارفرمایان و سرمایه داران.

شورای انقلاب با تصویب قوانین ضد کارگری بارها ماهیت واقعی خویش را برای کارگران و زحمتکشان میهنمان به روشنی آشکار نمود و تصویب طرح قانونی ارزشیابی کار کارگران سیاست دفاع شورای انقلاب را از سرمایه‌داران روشن ساخت. زحمتکشان میهن‌مداران تجربیات روزمره زندگی خود، ماهیت واقعی حاکمیت راننده در شعارهای فریبدهنده آن بلکه در سیاستهای عملی اش جستجو کرده‌اند و نخواهند یافت.

میزان تولید در واقع یا نشان دادن میزان علاقه به کارمیتوان به اضافه دستمزدی رسید. دیگر چه ضرورتی دارد که با اعتصاب و اعتراض کارفرما را وادار به پرداخت بخش ناچیز دیگری از حقوق نهائی نمود؟ بدین ترتیب کارفرمایان به خیال باطل خود در آینده با وجود اعتصاب شکنانی که گول فریبکاریهای آنها را خورده‌اند و بوعده وعید آنان دلخوش کرده‌اند، خواهند توانست با ایجاد تفرقه و دودستگی بین کارگران با خیالی آسوده تریبا استثمار آنان مشغول گردند! شورای انقلاب کوشیده‌است در ذهن توده‌های کارگران توهم را ایجاد نماید که گویا کارفرمایان خود با میل و رغبت به افزایش دستمزد کارگران همت می‌کنند و دیگر به "سروصداران" نداشتن نیازی نیست. باید مرتب بود و اگر کسی خواست اعتراضی نماید باید با احساس مسئولیت مانع آن شد تا تولید افزایش یافته و در نتیجه در آخر سال هم شاید دستمزد افزایش یابد!

اما جالبتر از این موضوع چگونگی و نحوه ارزشیابی کار کارگران است. بر اساس طرح تصویبی شورای انقلاب کمیته‌های متشکل از سرپرست مستقیم کارگر، نماینده مدیریت و نماینده کارگران به ارزشیابی کار کارگران میپردازند. همه کسانی که پایشان یکبار به کارخانه رسیده‌اند باید اندکسره سرپرستان همواره نمایندگان مستقیم مدیریت (در واقع کارفرما) می‌باشند و در نتیجه در کمیته‌های که بدین ترتیب

محصول کار او از زمین رفته باشد، که زحمتکشان بدانند برای خود و برای بهبود زندگی اکثریت عظیم تولیدکنندگان جامعه کار میکنند نه برای اقلیتی زالسو صفت. "علاقه به کار" بازتاب خود را در کوشش برای افزایش "میزان تولید" و "احساس مسئولیت کردن" در این مورد نشان میدهد. واضح است که معیار علاقه به کار برای این انتخاب شده که کارگران با علاقمندی و با میل و رغبت و با احساس مسئولیت به افزایش میزان تولید بپردازند و در واقع برای هر چه بیشتر شدن جیب سرمایه‌داران بیشتر احساس مسئولیت نمایند. هر کارگر آگاهی میداند که تنها بخشی از ارزشی که توسط کارگر تولید میشود بعنوان دستمزد با او پرداخت می‌شود نه همان مال بقی ارزش تولیدی به صورت ارزش اضافی بر سرمایه‌افزوده می‌شود. فربه تر شدن هر روزه سرمایه‌داران و افزایش سرسام آور میزان سرمایه‌ایان چیزی نیست جز نتیجه نداشتن شدن همین ارزش اضافه‌ها. پس هر چه تولید بیشتر باشد آنچه که نصیب سرمایه‌داران میگردد نرخ بیشتر ارزش اضافی و آنچه که به کارگران تعلق میگیرد استثمار بیشتر است. به زبانی ساده تر در جامعه‌ای که در آن روابط تولید سرمایه‌داری حاکم است هر چه کارگر بیشتر جان بکند سود بیشتری برای کارفرمایان فراهم ساخته‌است و بنا بر این انتخاب معیار "میزان تولید" برای تعیین و احیاناً افزایش دستمزد یعنی اینکه کارگر تمام هستی خود را برای پر کردن هر چه بیشتر کیسه استثمارگران فدا کند. اما برای افزودن یرمیزان تولید باید "احساس مسئولیت" کرد و هم بطور "مرتب" بر سر کار حاضر شد. شورای انقلاب ریاکارانه قصد دارد با تصویب چنین تصویبنامه‌هایی در صف واحد کارگران در مقابل کارفرمایان تفرقه و تشتت ایجاد نماید واضح است که وقتی با مرتب بودن و احساس مسئولیت بیشتر کردن و با افزودن و

با کمی دقت در نقل قولهای فوق متوجه می‌شویم که اساس این طرح از سه جزء بهم پیوسته و مکمل تشکیل شده است. این سه جزء عبارتند از: ضوابط و معیارهای ارزشیابی کار کارگران، ارگان ارزشیابی کننده و نحوه ارزشیابی. بر اساس طرح تصویبی شورای انقلاب و با توجه به مطالب عنوان شده از سوی معاون وزیر کار و روشن می‌شود که معیارهای انتخابی برای ارزشیابی کار کارگران عبارتند از: علاقه به کار، میزان تولید، احساس مسئولیت و مرتب بودن. آیا یک سرمایه‌دار برای ارزشیابی کار کارگر "بردگانش" معیارهایی بجز این در نظر میگیرد؟ آیا انتخاب این معیارها نشان نمیدهد که شورای انقلاب تنها منافع سرمایه‌داران را مدنظر داشته است؟ به بررسی هر یک از این معیارها بپردازیم:

برای تمامی کارگران و زحمتکشان روشن است که تا زمانیکه نظام سرمایه‌داری وجود دارد، تا زمانی که حاصل دسترنج کارگران متعلق به سرمایه‌داران و یا دولت‌های حامی آنهاست، علاقهای به کار نمیتواند وجود داشته باشد بیگانگی از کارمولود نظام سرمایه‌داری است. سرمایه‌داران و عوامل آنها همواره کوشیده‌اند که با تصویب قوانین گوناگون در بلندگوهای تبلیغاتی خود در مورد "علاقه به کار" برای کارگران نوحه‌سرای کنند. لیکن آنان که شیر جان نشان در پای دستگاها و ماشین‌ها به کیسه‌کشاد مفتخوران استثمارگر سرازیر می‌شود خوب میدانند که علاقه به کار نیز یک سرمایه‌داران برای فریب کارگران و استثمار هر چه بیشتر آنهاست. چگونه در شرایطی که حاصل دسترنج کارگران به جیب مشت سرمایه‌دار سرازیر می‌شود کار تنها وسیله گذران زندگی است (نه نخستین نیاز زندگی) علاقهای به کار می‌تواند وجود داشته باشد؟ تنها زمانی زحمتکشان می‌توانند به کار علاقمند باشند که جدائی بین کار انسان و

شورای انقلاب، در واپسین روزهای حیات خویش با عجله دست به تصویب قوانین ضد کارگری نظیر لغو سود ویژه، قانون شوراها، تعیین حداقل دستمزد کارگران کشاورزی و... زد تا پرونده فعالیت یکسال و نیمه خود را تکمیل تر نماید. اخیراً از طرف معاون وزیر کار و امور اجتماعی، طرح قانونی ارزشیابی کار کارگران مصوبه شورای انقلاب "رو" شده است. این طرح که گویا در فروردین ماه گذشته تهیه شده تا کنون مسکوت مانده و اکنون با توجه به جو سیاسی جامعه برای اجرا به کار خاتمه فرستاده شده است. دکتر ستاری معاون وزیر کار در مصاحبه‌های با خبرنگار کیهان در تاریخ ۹ شهریور ماه اعلام کرد: "بموجب ماده‌ای که به تصویب شورای انقلاب اسلامی ایران رسیده است افزایش دستمزد کارگران بر مبنای ارزشیابی، کارگتی و شایستگی کارگران صورت میگیرد. این ارزشیابی در هر سال در سه نوبت انجام میگردد و بوسیله آن کارآئی کارگران - سنجیده میشود و این سنجش در تعیین میزان افزایش دستمزد کارگران در آخر هر سال دخالت داده میشود." وی در مورد چگونگی اجرای طرح ارزشیابی گفت: "در هر کارخانه یک کمیته ارزشیابی با شرکت سرپرست مستقیم کارگران، نماینده کارگران و نماینده مدیریت تشکیل میشود. کمیته مذکور کیفیت کار کارگران را مورد ارزیابی و ارزشیابی قرار میدهد و به هر یک از عوامل نظیر میزان علاقه به کار، میزان تولید، احساس مسئولیت و مرتب بودن امتیازی تعلق میگیرد. پس از جمع کردن امتیازها عددی که بدست می‌آید ملاک و معیار افزایش دستمزد کارگر در آخر هر سال می‌باشد.

بررسی مختصری در طرح فوق به روشنی اثبات می‌نماید که شورای انقلاب که با داد و فغان از حقوق "مستضعفین" دم می‌زد به فریب توده‌ها پرداخته و عملاً به جیب خدمتگزاران به بورژوازی نقشی نداشت.

در برخورد با مسئله گروگانها

"جاسوسان آمریکائی باید محاکمه شوند"

جمهوری اسلامی به بهترین وجهی برای تثبیت موقعیت متزلزل خویش در آن هنگام از آن استفاده کردند، امروز وضع از همه جهت متفاوت است، آن روز آن توانستند با گرفتن رهبری این حرکت، نقاب "ضد امپریالیستی" بچهره خود زده و تمام آنها مردم را تحمیق کنند اما امروز که ناچارند از همه ادعاهای خود بگذرند میخواهند به نحوی مسئله را مستمالی نمایند. آنها اینبار ناچارند برای آماده کردن اذهان توده در پس دادن جاسوسان آمریکائی با صحنه سازی در مجلس شورا و انجام نطقهای پرطمطراق، شعاری و بی محتوا جو تصنعی ایجاد کرده، تحمیق توده ها را از طریق دیگری به پیش برند ولی خود نیز میداند که دیگر حنایشان رنگی ندارد.

البته از ابتدا معلوم بود که تسخیر سفارت آمریکا و گروگان گیری جاسوسان آمریکائی نمی توانست برای مدت طولانی دوام یابد. در عین حال مسلم بود که در پس این اقدام علاوه بر اهدافی که حزب جمهوری اسلامی جهت تثبیت خویش داشت و ما در نبرد خلق (فصل مربوط به تسخیر سفارت) مفصلاً بدان پرداختیم، مسئله مشخص کردن نحوه بازسازی روابط سیاسی ایران و آمریکا - بعنوان سرکرد امپریالیستها - مطرح بود. این امر در تمام مذاکرات مربوط به "رفع بحران روابط بین ایران و آمریکا" در نظر بوده است. یکبار پس از آنکه بنی صدر پریاست جمهوری انتخاب شد مسئله رفع بحران "تحسنت عنوان حل مسئله گروگانها" مطرح شد و شرایطی از جانب طرفین پیشنها دگر دید که راه عملی آن بصورت تشکیل کمیسیون ۵ نفری کورت والد هایم دبیرکل سازمان ملل که ما مورر سیگی به

جنایات شاه و امپریالیسم آمریکا بود منتهی شد. اما افشگری نیروهای مترقی، فشار توده ها و پیگیری آنها در مبارزه ضد امپریالیستی و بطور کلی جو حاکم بر جامعه از توافقی به آن ها را نداد و کمیسیون کارش را نیمه کاره گذاشت و رفت. اکنون آنچه مشخص است اینست که بر سر شرایط تجدید روابط توافق بیشتری وجود دارد و بنظر میرسد "نظرات طرفین" بهم نزدیکتر شده و حرکاتشان هم نسبت بهم محتاطانه تر گردیده است. تصادفی نیست که تا مه ۱۸۵ نمایندگن گره را میکا بسیار مودبا نه و دوستانه تنظیم میشود و تا مه نمایندگان مجلس شورا علیرغم لحن تندظاهری و شعارگونه آن، نرم و آشتی جویانه است. به نمایندگان کنگره آمریکا آنچنان برخورد میشود که گویا آنان فرشتگان معصوم و بیگناهی هستند که نه تنها در جنایات دولتهای آمریکا در کشور ما و سایر کشورهای جهان نقشی ندارند بلکه حتی از این جنایات اطلاعی هم ندارند! لحن نامطمئوری است که چنین بر میآید که از دست دولت های گذشته و حال آمریکا نیز این نمایندگان کنگره شکایت می کنند که اینها بر ما چنین و چنان کردند و شما دادگران باید بدانید ما را از این پیدا دگران بستانید. در عین حال در این نامه نسبت به دولت کنونی آمریکا یعنی کارتر بسیار نرم برخورد شده و این امر برخلاف شعارهایی است که در گذشته چه توسط آیت الله خمینی و چه توسط تمام سران حزب جمهوری اسلامی و سردمداران حکومت علیکاکا رتر داده میشود. در این نامه نمایندگان مجلس شورا "قبول سیاست عقل و درایت" از جانب دولت کارتر و "پذیرش واقعیتها و دست برداشتن از لجابت و عناد دبا

ملت ایران و انقلاب اسلامی" را راه رسیدن به حل بحران در روابط ایران و آمریکا دانسته اند. گویا بزعم نمایندگان مجلس شورا این ماهیت امپریالیسم جهانخوار آمریکا نیست که برای عارت ملت ها به مقابله با آنها می پردازد بلکه این امر ناشی از نداشتن "عقل و درایت" است اما جان کلام یا مه در بند آخر آنست که به بطور مشخص حاکی از بازگذاشتن راه برای حل مساله است. وقتی همز عمای قوم از آیت الله خمینی گرفته تا سران حزب جمهوری اسلامی و رئیس جمهور تکلیف گروگانها را در اختیار مجلس گذاشته اند و مجلس هم شرایط "حل بحران" را در این بند آخر فرموله کرده است میتوان چگونگی بهم آوردن سروته قضیه "تسخیر سفارت" و گروگان گیری جاسوسهای آمریکائی را از هم اکنون بروشنی ملاحظه کرد. ببینیم نمایندگان مجلس شورا شرایط "رفع بحران" را چگونه تعیین کرده اند، آنها در پایان نامه خطاب به نمایندگان کنگره آمریکا مینویسند: "آقایان! شما میتوانید در این راه بطور مثبت قدم بردارید و علیرغم تمام گرفتاریها یمان بررسی خسارت های ناشی از عملکردهای گذشته دولت آمریکا و مطالبات حقه ایران، بازگرداندن اموال شاه و بستگان نشر ادر دستور کار فوری خود قرار دهید و برای آن سریع ترین و بالاترین اولویت ها را قائل شوید. در این صورت است که راه برای حل بحران باز خواهد شد".

در پیام خود به زائرین حج، شرایط آزادی گروگانها را از این هم سهل تر مطرح کرد، شرایط آیت الله خمینی عبارتست از "باز پس دادن اموال شاه معذور و لغو تمام ادعاهای آمریکا علیه ایران و ضمانت عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در ایران و آزادگذاشتن تمامی سرمایه های ما (ایران)". از بررسی دو فرمول بندی فوق که شباهت بسیاری بهم دارند (و البته نظر آیت الله معتبر تر است) چنین بر می آید که ولا محاکمه گروگانها مطرح نیست و تا نیا علاوه بر اموال شاه (بعنوان یک مسئله حیثیتی برای ایران) عدم دخالت سیاسی و نظامی در امور ایران و آزادگذاشتن سرمایه های ایران که پس از تسخیر سفارت از جانب آمریکا توقیف شده اند نمودن تقاضای ایران است. این نتایج که خلاصه نظرات مجلس است برای آمریکا نیز جالب توجه و قابل قبول است و از همین روست که همه آنها زروند قضا یا خوشحال و نسبت به یافته "خوشبین" هستند. حتی ریگان که ندیدای حزب جمهوریخواه ما اعلام کرده است پیشنها دات آیت الله خمینی قابل قبول من است فقط اشکال کار اینست که برای بازگرداندن اموال شاه باید دادگاه های آمریکا تصمیم بگیرند! و اخیراً کارتر اعلام کرده است "تهران دولتی وجود دارد و آیت الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران رئیس خواه استهای خود را مشخص کرده اند از اینرو وضع بهتر شده است" و همچنین گفته است "موافق است که شکایات ایران در یک مجمع قانونی بین المللی مطرح شود".

باین ترتیب تمام شواهد و قرائن مبنی بر اینست که (اگر حوادت غیر مترقبه ای پیش نیاید) "بحران گروگان گیری" به پایانش نزدیک میشود و مبارزه

کتابهای در دست ترجمه

- ★ سه مقاله درباره چین - لنین
- ★ با کونیست ها در عمل - انگلس
- ★ زندگینامه بابوشکین
- ★ دو خط در انقلاب - لنین

★ آموزش و پرورش - لنین

★ مبارزه برای مارکسیسم و افشا، انحلال طلبان - لنین

مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه برای دموکراسی نیست



● رئیس مجلس و

سیاست خارجی جمهوری اسلامی

هفته پیش، هاشمی رفسنجانی، رئیس "مجلس شورای اسلامی" و یکی از بالاترین مقامات رهبری حزب جمهوری اسلامی، گفتگویی با ریاست پاکستان داشت که بسیار بهم وجالب بود. سخنان هاشمی رفسنجانی در این گفتگو بازتاب دیگری از ماهیست ارتجاعی و ضد انقلابی سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران است.

روزنامه "جمهوری اسلامی" ایران (پنجشنبه ۲۲ شهریورماه ۱۳۵۹) در یک مطلب خبری تحت عنوان "خدا حافظی"

سفیر پاکستان از حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی "می نویسد: ... سفیر پاکستان ضمن تبریک انتخاب ایشان به ریاست مجلس اظهار داشت مردم و دولت پاکستان از آغاز انقلاب اسلامی ایران آنرا تایید نموده و تا حد امکان در رفع نیازهای دولت ایران کوشیده اند ولی متأسفانه در رسانه های جمعی ایران مطالبی علیه پاکستان مطرح میشود که فکر میکنم برای دوستی دو کشور مسلمان مفید نباشد و ایین خواست واقعی ما نیست."

حال ببینیم پاسخ هاشمی

رفسنجانی، این رئیس قوه مقننه حکومت جمهوری اسلامی به سفیر حکومت زنرال ضیاء الحق، این جلاد و زنرال مزدور امپریالیسم آمریکا چیست؟

"حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در پاسخ اظهار داشت دولت ایران و پاکستان برادرند و امیدوارم که دو دولت نیز دوست و همسراه و همکار باشند. مخصوصاً در مقابل تجاوز آشکار شوروی به افغانستان و موضع مشترک که تاکنون داشته ایم، "آری، دوستی" همراهی و "همکاری" حکومت جمهوری اسلامی ایران با حکومتی که دستش تا رنج به خون توده های محروم و ستمدیده پاکستان آلوده شده است!!

"مخصوصاً" که این همکاری اکنون بصورت پشتیبانی مادی و معنوی از جریانهای مزدور آمریکایی در افغانستان که بطرفداری از فتوایها و زمینداران جنبش ارتجاعی رار رهبری می کنند، در آمده باشد!

رهبر طراز اول جمهوری اسلامی در ادامه سخنان خود می افزاید: "در مورد اقتصاد رسانه های جمعی ایران باید توجه داشته باشید که این امر نشان از آزادی اظهار عقیده و بیان است و مطالب مطرح

شده در رسانه های مبین سیاست رسمی جمهوری اسلامی ایران نیست در ادامه این دیدار حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی اظهار داشت به علت شدت تنفیری که مردم ایران از آمریکا دارند هرگونه نزدیکی و همکاری با آنها خوشایندشان نیست و طبعاً با وجود جو آزاد ایران موضع در این جهت مشخص میشود.

مثلاً "موقعی که رئیس کشور شما بمکود تاگران نظامی ترکیه تبریک گفت مسلماً این عمل نمی تواند بدون انعکاس در رسانه های آزاد ما باشد."

این سخنان گهربار هاشمی رفسنجانی بجهت معناسنت؟ بدین معناست که اولاً: سیاست جمهوری اسلامی ایران نسبت به حکومت ضیاء الحق سیاست همراهی و همکاری با آن حکومت در منطقه است. ثانیاً: موضع رسانه ها نسبت به حکومت پاکستان، موضع رسمی حکومت جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه نشانه "آزادی اظهار عقیده" و "بیان" می باشد!!

زیرا حکومت جمهوری اسلامی ایران در عمل نشان داده که هیچگونه اعتراضی به حکومت پاکستان هنگامیکه ضیاء الحق "به کودتاگران نظامی ترکیه تبریک

گفت"، از خود بیرون نداد! هاشمی رفسنجانی در پایان اظهارات خود سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران را برای سفیر پاکستان اینچنین خلاصه نمود: "حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در پایان اظهار امیدواری کرد که در آینده نزدیک ایران با مسلمانان جهان مخصوصاً با همسایگان مسلمان خود مجموعه ای محکم در برابر قدرتهای شرق و غرب ایجاد نماید. این است مفهوم سیاست خارجی حکومت کهنیست حاکم مسلمانان بصورت شعار "نه شرقی و نه غربی" تبلیغ می کنند. عملگردها هاشمی رفسنجانی، یکبار دیگر نشان می دهد که "تزارجاعی" "دوا بر قدرت" و یا شعار "نه شرقی، نه غربی" در نهایت چیزی جز همکاری با امپریالیسم و مزدوران محلی اش را در بر ندارد.

به گفته هاشمی رفسنجانی "به علت شدت تنفیری که مردم ایران از آمریکا دارند هرگونه نزدیکی و همکاری با امپریالیسم آمریکا ممکن نیست، اما چنگی نمی داند که همکاری و همراهی با حکومتها بی نظیر بقیه در صفحه ۸

مفتشین جمهوری اسلامی و...

بقیماز صفحه ۹

همکاران آگاه و معلمان و شاگردان مبارز مدرسه شریک بودید تا مثلاً بتوانند (نظریاً) با زجونیان ساواک (بهننگام با زجونیان) یک معلم دیگر، با وی بگویند: "بیگفته یما ما خبر داریم که شما در فلان تاریخ به کوه رفته اید و یا در فلان جلسه، چنین و چنان گفتاید. به سوالات زیر که جای پای شیوه ساواک در منبع خبر گیری و جاسوس پیروزی بخوبی عنان است، توجه کنید:

- چند بار تا بحال به کوه رفته اید؟ با کدام معلمان رفته اید؟ هدفتان از رفتن به کوه چه بود؟

- روز هجرت طالبانی چه کسانی از مدرسه به تظاهرات رفته اند؟

و بگویند و اعتقادات سیاسی و بدتولوژی یکوی را بیرون بکشند بلکه همچنین می خواهند که دوستان و آشنایان مبارز و آگاه و اینز شناسائی کنند:

- چهار دوست نزدیک خود را معرفی کنید.

- قبل و بعد از نام، در دوستان و آشنایان شما چه کسی در زندان بوده؟ نام ببرید.

برای مفتشین جمهوری اسلامی شناسائی دوستان و آشنایان معلم بازگافی نیست. همچنین بی خواهند همکاران مبارز داری و را نیز بشناسند و بیعبیر دقیق تر اینکه زامی خواهند نه نقش جاسوس را ایفاء کند و حتی

در رابطه بدعت برای پاکستانی، معلمین خواستند برای هماهنگی یا هم جلسهای داشته باشند، آیا شما هم برای این جلسه تلفن شد؟

- چه جشنها و مراسمی در مدرسه می گرفتید، چه کسانی آنها را ترتیب می دادند؟

- چه معلمینی عضو شورای مدرسه بودند؟

(ضمن اسم بردن چند تن از شاگردان، پرسیده اند: اینها را می شناسید؟ چه فعالیتها می داشتند.)

- معلم های مدرسه چه ایده تلوژیهای دارند؟

بیشتر فرومیریزد، تمام نقابها را بکناری زد و شمشیر از زوبسته است تا بخیال خود، با ایجاد جو خفقان و اعمال فشار و سرکوب باز هم بیشتر و مستقیم تر جلورشند آگاهی توده ها را بگیرد و عمر حاکمیت خود را قدری طولانی تر کند. رژیم جمهوری اسلامی چنان به سیم آخز زده که حتی قانون اساسی ارتجاعی خود را نیز لگدمال کرده است.

با توجه به ماهیت طبقاتی و عملگردها ۱۹۰ ماه رژیم جمهوری اسلامی می توان پیش بینی کرد که سیاستهای سرکوبگران، با زیر و بم هائی، نه تنها در مورد کارگران بلکه همچنین در مورد افسار هر چه وسیع تر زحمتکشان، و از جمله معلمین زحمتکش، همچنان ادامه خواهد یافت.

اینکه رژیم دمخواهد (و در این نوزده ماهه خواهی خود را عملاً نشان داده) فقط یک طرف قضیاست ولی آنچه نقش تعیین کننده دارد عکس العمل کارگران و سایر زحمتکشان است. آنچه می تواند نقش و افعال تعیین کننده داشته "محاسبات" و دقیق تر اینکه تحلیلات حاکمیت را نقش بر آب کند، شکل کارگران

وزحمتکشان در سازمانهای سیاسی و صفی خود و مقاومت سازمان یافته آنهاست. این امر در مورد معلمان نیز صادق است و شکل آنها در کارکنانهای دموکراتیک نه تنها در مقابل یورش کنونی بلکه همچنین در مقابل یورشهای بعدی حاکمیت در تضییع حقوق دموکراتیک آنها می تواند سدا ستواری بر پا دارد.

معلمین متشکل در کارکنانهای دموکراتیک با یک رهبری پر زنده و تزلزل ناپذیر، همه چیز و معلم منفرد و غیر متشکل، هیچ چیز. شرکت هر چه بیشتر معلمین آگاه و مبارز در کارکنانهای دموکراتیک خود، می تواند دست رهبری سازشکار و متزلزل بعضی از این کارکنان را کوتاه کند و شرکت هر چه وسیع تر توده معلمین در این کارکنانها، تضمینی است در دفاع از حقوق دموکراتیک آنها.

معلمین اگر در کارکنان با پایه وسیع توده ای چند صد هزار نفری متشکل بود میکر رهبری مقاوم و تزلزل ناپذیر می داشتند حاکمیت ما نندا امروز نمی توانست کتیف ترین شیوه های تفتیش عقاید را بکار گیرد و وجود سنی هزار معلم را اخراج نماید.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

دفاع از نظام سرمایه داری زیر پوشش "مکتب"

آقای نخست وزیر چنانچه چندی پیش در یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری پارس گفت:

یک سری توقعات کاذب در جامعه درست شده و ملت در انتظار است. ما از این نظر کارمان خیلی مشکل است. باید این حرکت را هر چه زودتر به حرکت ایدئولوژیک برگردانیم. حال آنکه جامعه به سرعت منتظر است ما مسائل رفاهی را مطرح کنیم. من این را خط صحیح نمی دانم. ما آنقدر که مکتب هستیم، نگران کم و زیادتی پرتقال و انگور نیستیم. در رژیم گذشته این چیزها تامین نبود. ولو از خارج هم آنها را می آوردند، ولی آن چیزی که مطرح نبود مکتب بود، ولی ما بدنیال مکتب هستیم.

(جمهوری اسلامی ۵۹/۶/۲)

آقای نخست وزیر نگران از رشد ناراضی مردم و ناتوانی از پاسخگویی به مسائل میسر توده ها، این برنامه عاجل را در دستور کار خود قرار داده است که هر چه زودتر مسیر مبارزات و خواسته های توده ها را بکشاند، کاتالهای انحرافی بکشد، تا شاید بتواند رژیم جمهوری اسلامی را از بحران حادی که اکنون با آن روبروست، نجات دهد. ۱۹ ماه عملکرد جمهوری اسلامی به روشنی نشان می دهد

که این حاکمیت بدلیل ماهیت بورژوازی خویش به خواستهای پاسخگویی به خواسته ها و نیازهای توده ها که دست به انقلاب زدند، از منافع سرمایه داران و زمینداران دفاع کرده و در مقابل توده ها و خواسته های آنها ایستاده است. اکنون نیز نخست وزیر محمد علی رجائی بصراحت اعلام میدارد که همان راهی را خواهد پیمود که تاکنون دولت بازرگان و شورای انقلاب پیموده اند. او طرح مسائل رفاهی از سوی زحمتکشان میهنمان را در شرایطی که گرانی، بیکاری، کمبود مسکن و دهها مشکل دیگر کمرشان را خم می کند، یک سری توقعات کاذب مینماید. بنظر او خواست مسکن، باین آ مدن قیمت کالاها و اجناس مورد لزوم زحمتکشان، داشتن کار روزندگی بهتر برای توده ها، توقعات نسبی "کاذب" است و مطرح میکند که "در رژیم گذشته این چیزها تامین بود". در حالی که توده های زحمتکش خود به بهترین وجهی شرایط سخت و دشوار زندگی را در دوران رژیم شاه لمس کرده و فشارهای طاقت فرسای اقتصادی - اجتماعی آنها را بر سرگونی رژیم شاه سوق داد. واقعیت این است که در آن شرایط کارگران میهن ما به وحشیانه ترین شکل ممکن توسط

سرمایه داران وابسته استثمار میشدند. آنان از ابتدائی ترین حقوق سیاسی و صنفی خود محروم بودند. هر روز که میگذشت قدرت خرید کارگران کاهش می یافت و زندگی برای آنها بیش از پیش سخت تر و سخت تر میشد. دهقانان نیز از طریق شرکتهای تعاونی، بانکها، شرکتهای سهامی زراعی، ورود محصولات کشاورزی مشابه زکسورهای امپریالیستی و... تحت شدیدترین فشارهای بورژوازی وابسته و رژیم سرسپرده شاه قرار گرفته و روز بروز بروحامت زندگی اقتصادی - اجتماعی آنها افزود می شد. خورده خرابی سوق داده می شد. خرده بورژوازی سنتی زیر شدیدترین فشارهای سرمایه های مالی و وابسته به انحصارات بین المللی و بورژوازی وابسته قرار گرفته بود. خلاصه تمام توده های زحمتکش و خلقی ستمدیده ایران با نحاء مختلف تحت ستم قرار داشتند. از این روست که دست به مبارزات قهرمانانه علیه امپریالیسم و یابگاه داخلی آن زدند. توده ها برخاستند تا سلطه امپریالیسم را براندازند و سیستم سرمایه داری وابسته را درهم کوبند و زندگی بهتری را برای خود تامین کنند. آنها در سرگونی رژیم شاه سرنگونی حاکمیت امپریالیسم و بورژوازی وابسته را می دیدند. آنها فکر میکردند که پس از سرنگونی رژیم شاه برقراری جمهوری اسلامی منافع آنان تامین شده و این جمهوری همان جمهوری ایده آل آنان است. اما اکنون آقای رجائی این توقعات را کاذب می نامد و چه کسانی جز نمایندگان سرمایه داران ایران

بخود اجازه میدهند که این خواسته ها را "توقعات کاذب" بنامند.

آقای رجائی که از رشد مبارزات توده ها و طرح خواسته های واقعی شان بوحشت افتاده است. می گوید "ما از این نظر کارمان خیلی مشکل است. باید این حرکت را هر چه زودتر به حرکت ایدئولوژیک برگردانیم". البته آقای نخست وزیر درست تشخیص داده است که کار او خیلی مشکل است، چرا که توده های ستمدیده کشور ما را دیگر به سانی نمی توان فریب داد. آنها طی چند سال اخیر آگاهی های فراوانی کسب نموده اند و تا کسب نهائی خواسته های واقعی خود به مبارزات پیگیر و بی امان خود ادامه میدهند.

اما آنان که از دورنچ مردم خبر ندارند و حق دارند که خواسته های واقعی توده ها را "توقعات کاذب" بنامند و بگویند "من این خطر را صحیح نمی دانم" خط آنها با خط زحمتکشان فرسنگها فاصله دارد.

خط توده ها همان خط ضد امپریالیستی و خطر رجائی و امثالهم خط دفاع از سرمایه داران است.

منظور رجائی از تبدیلی حرکت توده ها به حرکت ایدئولوژیک جز تلاش در به انحراف کشاندن مبارزات و اضعاف امپریالیستی توده ها نیست. او باید به فریب توده ها متوسل شود و بر تضادهای طبقاتی سرپوش بگذارد تا موجودیت سرمایه داران و همه استعمارگران را حفظ کند.

رجائی با طرح این مسئله که "در رژیم گذشته این چیزها تامین بود" نه تنها آب تظہیر بر روی رژیم خود خلقی و مزدور شاه می ریزد بلکه سخنان او انسان را بیاد استدلالات

"لیبرالها" می اندازد که اشکال رژیم شاه آنها در دیکتاتوری عنان گسیخته و میدیدند و به همین علت معتقد بودند که "شاه باید سلطنت کند نه حکومت". در حقیقت برداشت رجائی نیز از حکومت شاه اساسا همان برداشت "لیبرالها" است، منتهی با این تفاوت که لیبرالها بجای "دیکتاتوری شاه" با اصطلاح "دمکراسی" شاه را طلب می کردند ولیکن به عقیده رجائی رژیم شاه فقط فاق دست مکتب بوده است.

رجائی در جای دیگر مطرح می کند مسئله حکومت نیست مسئله مکتب است (جمهوری اسلامی ۵۹/۶/۱۹)

واقعیت غیر از اینست. مسئله هم حکومت است و هم مکتب "مکتب" آقای رجائی تنها وسیله ایست برای حکومت کردن بر توده ها و بدست آوردن نقش بی رقیب در قدرت سیاسی، "مکتب" او تکیه گاه اخلاقی و توجیه موجودیت اجتماعی طبقه حاکم است. آقای رجائی "مکتب" را مستمسک قرار داده و می کوشد تا بدین طریق به عملکردها، استثمار و غارت طبقه حاکم مشروعیت بخشد. او وقتی که از "مکتب" صحبت می کند تنها می خواهد ثبات اجتماعی طبقه سرمایه داران را تامین کند و توده های ناآگاه را بر آن دارد که با رضایت خاطر سلطه حاکمیتی را بپذیرند که مکتبی است. حفظ سیستم سرمایه داری بنام "مکتب"، سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی بنام "مکتب" سانسور، اختناق و سلب حقوق دمکراتیک و آزادی سیاسی توده ها بنام "مکتب"، این است جوهر حکومت "مکتبی" آقای رجائی. این است ماهیت حکومتی که ادعای جانب داری از توده های زحمتکش را دارد.

رئیس مجلس و...

بقیه از صفحه ۷

حکومت پاکستان که جزو مزدوران و سرسپردگان امپریالیسم آمریکاست، خود نوعی از "همکاری" و "همراهی" با امپریالیسم آمریکاست. حال مردم از خود می پرسند که پس دعوی حزب جمهوری اسلامی و آقای قطب

زاده بر سر چیست؟ این حزب که زمانی، در مقابل افشاء گریهای نیروهای انقلابی با حرارت خاص از قطب زاده دفاع میکرد و طومارهای پشتیبانی برای او تهیه می نمود چرا اکنون با تمام قدرت بر علیه وی تبلیغ می کند؟ حقیقت این است که حزب در

بی آن بود که قطب زاده را به عامل اجرائی سیاستهای خود بر علیه لیبرالها تبدیل کند، (درست مانند آنچه که در رابطه با احمد مدنی مورد نظر بود) اما هنگامیکه در جریان دست یابی به این هدف دچار شکست شد با تمام قوا برای سلب قدرت از وی کوشید.

اکنون سخنان هاشمی رفسنجانی نشان میدهد که اختلاف "حزب" با قطب زاده بر سر خطوط اصلی سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران نبوده و نیست بلکه آنچه باعث

شد حزب جمهوری بر علیه قطب زاده وارد عمل شود، قدرت گیری حزب و نوسان قطب زاده بسوی لیبرالها بود. گفته های هاشمی رفسنجانی یکبار دیگر نشان داد که انقلابی نمائی و جار و جنجالهای تبلیغی روزنامه جمهوری اسلامی درباره مبارزه ضد امپریالیستی و سیاست خارجی (بویژه درباره هاشمی رفسنجانی) شرکت حکومت جمهوری اسلامی در کنفرانس کشورهای اسلامی در اسلام آباد پاکستان) صرفاً "نشانه" آزادی اظهار

عقیده و بیان! بود است و نه مواضع رسمی حکومت جمهوری اسلامی ایران!! آری بنظر حزب جمهوری اسلامی، از یکسو باید بر علیه با اصطلاح "دو ابر قدرت" و امپریالیسم آمریکا اقدام نمود و از سوی دیگر با مزدوران محلی وی، نظیر ژنرال ضیاء الحق، همکاری و "همراهی" نمود. چنین است مفهوم واقعی شعار "نه شرقی و نه غربی" حاکمیت کنونی. البته اینهم نوعی خاص از مبارزه ضد امپریالیستی است!!

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرد

نامه جمعی از کارگران آگاه و مبارز اهواز چند سؤال از "کمیته مرکزی"

روی آوردن بخش قابل توجهی از پرولتاریای آگاه و انقلابی بسوی سازمان خودشان برای کسب رهنمود از آن و ارائه رهنمود بداند بقصد تقویت جنبش انقلابی و منزوی کردن اپورتونیسیم راست، یاردیگر گفتار آموزگار کبیر پرولتاریا، لنین کبیر را بذهن میاورد که گفته بود: "هر کجا اکثریت کارگران آگاه در پیرامون تصمیمات دقیق و صریح گرد آمده بودند آنجا وحدت عقیده و عمل وجود دارد، آنجا حزبیت و حزب وجود دارد. هر جا دیدیم کارگران انحلال طلبان را از مقام خود معزول نمودند و یا دیدیم نیم دوجینی از گروههای مقیم خارج مدت دو سال بهیچوجه ارتباط خود را با جنبش وسیع کارگری روسیه ثابت نکرده اند، همانجا پریشانی و انشعاب طلبی حکم فرماست".
(نقض وحدت در پرده فریادهای وحدت طلبی) مجموعه آثار صفحه ۳۲۷

نشانه نمونه چنین توجهی از جانب "کارگران آگاه" بسوی سازمان خودشان تا مفری است که از "طرف جمعی از کارگران آگاه اهواز" برای ما فرستاده شده است. اکثریت کمیته مرکزی! بعد از اعلام مواضع فرصت طلبان اخیرتان و تبلیغ زیرکانه مواضع حزب توده در بین ما کارگران و هواداران که صدقانه چشم امید به شما داشتیم و امیدوار بودیم که این سازمان است که دیگر چسراغی است فرا سوی راه پر پیچ و خم ما و راهنمای صدیقی در جهت به نتیجه رساندن مبارزات کارگری ما، تا اینکه تدریجا شما یعنی کمیته مرکزی یکباردیگر خواستید با استفاده از اعتبار شهدای بخون خفته و جاوید سازمان و با تکیه بر ناآگاهی و صداقت اکثر هواداران، افکار و مواضع اپورتونیستی خود را ترویج و یکباردیگر مبارزات ما را به انحراف ببرید چنانکه رهبران خائن حزب توده با پدران ما در سالهای ۲۲ کردند و اینچا بود که ما با تغییر موضع شما و عدم توانایی در پاسخگویی به خواستهها و مسائل مبرم جنبش، یکباردیگر دچار سردرگمی شدید تا اینکه خط انقلابی و راستین سازمان یعنی اقلیت اعلام مواضع کرد (گویا اینکه خیلی دیرولی بالاخره این کار را کرد) لابد تعجب میکنید از اینکه ما اقلیت را خط انقلابی سازمان میدانیم باید هم تعجب کنید چرا که ملاک ما مانند شما اقلیت و اکثریت نیست بلکه آنچه ملاک انقلابی بودن و توان رفتن این مسیر پر پیچ و خم است کیفیت است و نه کمیت. نشان دادن راهی است که باید به قله صعود کرد نه راهی که به ته دره سازشکاری منتهی شود هر چند که از انشعاب شما خوشحالیم ولی تا همین جا هم ضرباتی از شما متحمل شده ایم که نباید میشدیم و کارهایی باید میکردیم که تحت رهنمودهای شما نکرده ایم: بهر صورت این نامه را از این جهت می نویسیم که تا ز شما دو قسورت و نیم تا هم باقیست و خط انقلابی سازمان را چپ و غیره می نامید و لذا برای نشان دادن مواضع اپورتونیستی شما هم مواضعتان را بصورت سؤال مطرح می کنیم و از شما می خواهیم که به یک یک آنها پاسخ دهید نه به ما بلکه به جنبش کارگری:

۱- چرا از بعد از گرفتن سفارت شعار مرگ بسوی امپریالیسم به سرکردگی آمریکا و وابستگان داخلی به مرگ برای امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا تبدیل شد این وابستگان مگر رفتند؟ و یا شاید در پیشگاه ما مام توبه کرده اند؟
۲- چرا اول از بازگان پشتیبانی کردید ولی بعد مرتب ما را با فاشی او و دولتش رهنمون می نمودید و بالاخره فرق بازرگان و بنی صدر را در چشمه می بینید؟
۳- با اینکه هم ما روز همیداننده شعار معسروف بنی صدر تولید بیشتر مبارزه ضد امپریالیستی است (این شعار مورد تائید شما هم هست و همچنین مورد تائید و پشتیبانی تمام سرمایه داران جهان و موجب رشد سریع آنان) و مدافع سرسخت قلع و قمع خلق کرد و ترکمن و هر صدای حق طلبانه تحت نام امنیت ملی و مخالف شوراهای کارگری که تنها نصب باقیمانده از انقلاب برای کارگران است و همچنین مدافع نزار تجا عی و منحنط سه جهان می باشد چرا و اگر این فرد بورژوا نیست لابد کارگر بورژوا است و خلاصه با توجه به ساخت جامعه ما که سرمایه داری و وابسته است آخر کارگر تولید بیشتر میکند که به جیب کی برود و این چگونه مبارزه ضد امپریالیستی است؟ تازه تحت کدام سیاست اقتصادی؟ نکند شما شیاستهای اتخاذ شده از جانب هیئت حاکمه را سوسیالیستی می پندارید؟
۴- علیرغم این یکسال و اندی طرح شعار پیش به سوی تشکیل حزب (البته حزب واقعی نه مانند حزب توده مورنجبران) حتی یک قدم در جهت تحقق آن برداشته اید؟
۵- چرا برای شرکت در مبارزه حق طلبانه خلق کرد خواستار شرکت مخفی سازمان بودید و حالا چرا خواستار تسلیم بی قید و شرط؟ بالاخره این مبارزه یا حق بوده یا نبوده اگر بوده چرا اینگونه برخورد میکنید و اگر نبوده چرا شرکت کردید.
۶- در این اواخر و همراه خواستن پایان جنگ برادر کشی (جالب است کردهای شهیدمانی دانستند که در مقابل برادر ظهیر نژاد و برادر چمران این نمایندگان بحق امپریالیسم ایستادند و الان می ایستادند و لذا حالا باید بقیه را بر حذر داشت مبارک الله این است آن مارکسیستی که بورژوازی خوشش می آید) از جانب شما از طرفی جنبش را از خطر بختیاری و لیزبان و غیره می ترسانید و از طرفی هم باور کردنی نیست که شما بدون درک وضعیت کردستان در آنجا دست به عمل زده باشید حال این سؤال پیش می آید که این آقایان که اینقدر برای جنبش ما خطر دارند کی آمده اند. از قبل از جنبش حق طلبانه خلق کرد آمده اند در آن ناحیه و یا بعد از آن اگر از قبل بوده اند پس چرا در این مدت صحبتی نبود و اگر بعد آمده اند چرا شما گذاشتید و اگر هم خطرشان خارج از مرز است چرا هیئت حاکمه عوض

سرکوبی و قتل عام خلق کرد و صرف بودجههای سنگین برای این موضوع نمی رود آنهارا سرکوب کند و چرا کارگران و زحمتکشان باید این کار را بکنند که در کاره نوشته اید کارگران ابائی از مقابله با مثال بختیاری و غیره و غیره ندارند. بله ما ابائی نداریم ولی مگردست هیئت حاکمه به چه بنیاد است و ارتش و پاسداران و غیره با صرف این همه بودجه چه کار میکنند؟
بله کارگران ابائی از مبارزه با نوکران امپریالیسم و خود امپریالیسم ندارند ولی آنرا برای مرزها نمی بینند آنرا در کارخانه، در شهر، در استاننداری، و در کارهای بی می بینند چرا هیئت حاکمه (انقلابی بقول شما) مبارزه نمی کند تا به حال هر چه کرده از سرکوبی خلق کرد و ترکمن و عرب و کارگران بیکار و حمله به دانشگاهها و بریدن زندانهای طویل المدت برای کارگران پولاد و تجا و زبیر فقایی دخطر در اهواز و آنگاه حلال دانستن و خلاصه هزاران عمل ضد خلقی دیگر همه در جهت تقویت امپریالیسم و دشمنی با سوسیالیسم بوده و حال چگونه شما می توانید ما را تشویق به پشتیبانی از آن بکنید؟
۷- چرا ما فدای بنوم و حتی نتیجه ترا انتشار ندادید چرا باید حزب توده به آن دسترسی پیدا کند ولی هواداران صادق سازمان از آن بی اطلاع باشند؟
۸- چرا شما با نمایندگان بورژوازی که دستشان تا آرنج به خون خلق آغشته است از مواضع سازشکارانه بر سر میز مذاکره نشستید و چرا متن آنرا باید بهشتی در روزنامه ش چاپ کنید و آنهم بقول خودتان متن تحریف شده اش را ولی هواداران از آن بی اطلاع باشند؟
۹- و بالاخره چرا شما که حاکمیت را خرید و بورژوازی و خلقی میدانید و با سران جمهوری اسلامی و کمیته مرکزی خائن حزب توده به وحدت ایدئولوژیک حول محوراللمر سیدما پدیدست از سر جنبش کمونیستی بر نمی دارید. (کما اینکه حزب توده در بیانیه شماره ۳ گروه برابری و برادری در بهمن ۵۷ و به گفته کیا نوری در پرسش و پاسخ شماره ۷ با مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم با شما خواستار آن بوده است) و حداقل با شهادت از مواضع فرصت طلبانه خود پشتیبانی نمی کنید. فدائی که در سکوت مطلق حکومت ساواک، اسلحه بدست از خلقش دفاع میکنند نمی تواند دارای چنین موضعی باشد. نبود شما در جنبش کارگری باور کنید رفاقتا بنفع آن است. البته با این مواضع.

نا بود با دا پورتونیسیم و رویز یونیسیم از جنبش کمونیستی ایران و وجهه نشان زنده باد حرکت انقلابی و اصول مارکسیست لنینیست ها در اهواز با دیرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تعطیل دوروز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

پاسخ به سئوالات

۱- یکی از رفقای نویسنده با توجه به اینکه در شرایط کنونی وظیفه ما زودن توهم توده‌ها نسبت به حاکمیت است در روزنامه کار بیشتر به شرح وضعیت عینی توده‌ها پرداخته می‌شود و بیشتر برای مردم سوال طرح می‌شود از آنجا که این سئوالات در ذهن توده‌ها نیز وجود دارد ما باید تلاش کنیم برای توده‌ها پاسخ مشخص در مورد مسائل آنان ارائه دهیم. در این مورد رفیق به کار ۶۶ صفحه ۸ اشاره می‌کند: "تأمین فوری تجهیزات ارتش از امپریالیست‌ها برای چیست در آن مقاله سندی ارائه شد مو سئوال شده "آیا دولت در صدد تأمین رفاخ و خواسته‌های توده‌هاست یا با زهم در صدد تجهیز ارتش" رفیق می‌گوید مردم می‌دانند رژیم در صدد تجهیز ارتش است. انتقاد رفیق بنظر ما قابل پذیرش نیست. دولت همواره خریدهای از این قبیل را از توده‌ها پنهان می‌دارد. افشای این امر برای مردمی که یکسال و نیم پس از انقلاب هنوز به هیچک از خواسته‌های اساسی خویش دست نیافته‌اند خود یکی از وظایف انقلابیون است. و علاوه بر آن توده‌ها بر این امر واقفند پس چه توهمی نسبت به حاکمیت دارند و کدام توهم باید زدوده شود.

در قسمت دیگر انتقاد رفیق می‌نویسد: در همان مقاله آمده "آیا این منابع (منظور منابع خرید اسلحه است) خارجی جز امپریالیست‌ها منابع دیگری هستند؟" و به مضمون جمله انتقاد دارد. هدف ما از نوشتن جمله فوق بیان ماهیت مبارزه "ضد امپریالیستی" حاکمیت است زیرا حاکمیت در حالیکه اعلام مبارزه ضد امپریالیستی می‌کند، از امپریالیسم اسلحه می‌خرد. اما اگر مضمون جمله فوق، این منظور را بیان نمی‌کند و رسالت و برداشتهای منظوم را در ذهن مطرح می‌کند انتقاد رفیق

وارد است.

۳- رفیقی در مورد شعار صفحه اول کار ۶۶ "با تمام توان خود از نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست دفاع می‌کنیم" انتقاد داشت بدینصورت که "شعار فوق کلی است و ما بدون مشخص کردن پایگاه طبقاتی نیروها نمی‌توانیم شعار فوق را مطرح نماییم. ما این شعار را مشخصاً در ارتباط با مقاله همان صفحه و در برخورد با حاکمیت که با طرح راهپیمایی ۱۳ تیر ماه سعی داشت تحت عنوان مبارزه ضد امپریالیستی، سازمانهای انقلابی را مورد حمله قرار دهد و نقش حزب جمهوری اسلامی مطرح کرده ایم. همچنین در مقالات ترویجی کار مفهوم مبارزه ضد امپریالیستی نیز مطرح شده است و علاوه بر آن توانی خود بورژوازی در پیشبرد این مبارزه و لزوم اعمال رهبری طبقه کارگر برای مبارزه قاطع علیه امپریالیسم نیز همواره مطرح شده است.

۴- رفیقی نوشته اگر معتقدیم مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه دمکراتیک نیست چرا و از مبارزه "ضد امپریالیستی"

دمکراتیک "را بکار می‌بریم و چرا و از مبارزه ضد امپریالیستی" رابه تنهایی بکار نمی‌بریم؟ بایستی خاطر نشان کنیم که انقلاب ما انقلابی است دمکراتیک با خصلت ضد امپریالیستی و مبارزه برای حقوق دمکراتیک زحمتکشان از اهمیت بسیاری برخوردار است و تا کید رفیق بر تفکیک ناپذیر بودن مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی کاملاً درست است ما در مقاله‌ای در کار این مسئله را توضیح داده ایم. لیکن تاکید سازمان بر اضافه نمودن واژه دمکراتیک بر واژه ضد امپریالیستی تاکید است بر پیوند مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای دمکراسی. از جانب دیگر امروز پورتونیست‌ها با تحریف مضمون مبارزه ضد امپریالیستی ایندو را از هم تفکیک می‌کنند و حتی آنها را در تقابل با هم قرار می‌دهند تا جاییکه به زعم آنان مبارزه توده‌های زحمتکش برای تأمین حقوق دمکراتیک خویش و مبارزه خلق‌های تحت ستم برای تحقق خواسته‌های دمکراتیک شان مبارزه "ضد امپریالیستی" را "تضعیف" می‌کند و با امروز بعلت شرایط خاص مبارزه طبقاتی همه ادعای مبارزه ضد امپریالیستی می‌کنند. کسانی نظیر مدنی، چمران، فلاحتی، سران حزب جمهوری اسلامی، بنی‌صدر و... در حالیکه به دشمنی آشکار با دمکراسی برخاسته‌اند، خود را مبارز ضد امپریالیست می‌خوانند. لذا برای آنکه صف نیروهای واقعا "ضد امپریالیست" را از نیروهای که در حرف و بیهودروغ ادعای مبارزه ضد امپریالیستی می‌کنند و اپورتونیست‌هایی که در جهت به

انحراف کشاندن مبارزه ضد امپریالیستی تلاش می‌کنند متمایز گردد، تاکید بر این جنبه تفکیک ناپذیری مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای دمکراسی ضروری است. این تمایزها تنها در پرتیک مبارزه طبقاتی، تحلیل‌ها و ترویج و تبلیغ باید منعکس گردد، بلکه گرایین تمایز را بتوانیم در واژه‌هایی که بکار می‌بریم و شعارهایی که مطرح می‌کنیم نیز متجلی گردانیم، برای توده‌ها این تمایز هر چه بیشتر آشکار خواهد شد.

۴- رفیقی در مورد مقاله کار ۷۱ "رجائی می‌گوید: دولت آینده باید از سرمایه‌داران بزرگ بخواهد در اعمال خود تجدید نظر کنند" انتقاد می‌کند که چرا چشم انداز آینده ترسیم نشده است.

ما می‌پرسیم آیا تیترو همین مقاله بنوعی سمت‌گیری آینده رجائی را در بر ندارد و هنگامیکه موضع رجائی را در مورد سرمایه‌داران و کارگران مطرح می‌کنیم و حمایت او را از سرمایه‌داران بیان می‌کنیم نیز یسکلی چشم انداز آینده را ترسیم نکرده ایم؟ علاوه بر آن در سر مقاله کار ۱۷۲ این چشم انداز بطور دقیق تر نیز مطرح گردیده است.

۵- رفیق انتقاد داشته‌اند که چرا شرح حال رفقای شهید در روزنامه کار نوشته نمی‌شود و فقط از آنان نام برده می‌شود. از آنجا که سازمان هر ماه بطور متوسط ۱۰-۱۲ شهید دارد نوشتن شرح حال همه رفقا بخش زیادی از روزنامه را می‌پوشاند و برای سایر مطالب جای کافی نمی‌ماند.

۶- در مقاله فحشاء از کدام سو رفیقی انتقاد کرده که چرا نوشته شده "فحشاء زائیده نظام

سرمایه‌داری" است و باید جامعه طبقاتی مطرح می‌شد. مادر همان مقاله در ستون سوم، جامعه طبقاتی را مسبب فحشاء دانستیم اما اینک تاکید بر جامعه سرمایه‌داری شده بدلیل سیستم موجود در جامعه خودمان و بررسی مورد خاص و شرایط خاص کشورمان است.

۷- رفیقی از کار ۱۶ نقل قولی می‌آورد که گفته شده "نمایندگان خرد بورژوازی تا زمانی که در خدمت بورژوازی حاکم قرار دارند جز وصف خلق محسوب نمی‌شوند" پس تفاوت نظر ما با کمیته مرکزی چیست که آنها هم امیدوار گشت خرد بورژوازی را در صف خلق دارند؟ تفاوت نظر ما با آنان در این است که کمیته مرکزی خرد بورژوازی را در حاکمیت غالب و در صف خلق میدانند اما ما معتقدیم که در روند مبارزه طبقاتی برخی از نمایندگان خرد بورژوازی که خود را اکت دست و مجری سیاست‌های بورژوازی در می‌یابند، ممکنست از حاکمیت جدا و به مبارزه با آن برخیزند

۸- رفیق م-ی با کد ۱۵۰۱ نوشته چرا علل انشعاب بخوبی توضیح داده نشد. ما در این مورد در شماره ۱ و ۶ کار و همچنین در کتاب ناما قابلیت به مرکزیت اختلافات موجود را به تفصیل بیان کردیم لازمست رفیق بنویسد در چه زمینه توضیح بیشتری خواهد.

۹- انتقاداتی به مقاله "طب ملی" شده که چرا مقایسه وضعیت طب در ایران با کشورهای نظیر کوبا و ویتنام صورت نگرفته، در این زمینه کتاب‌هایی در حال ترجمه است که بعداً ارائه خواهد شد.

چرا بلیط‌های اتوبوس گران میشود؟

هنوز مردم شعاری را که هیران می‌دادند "برادری، برابری، حکومت عدل علی" فراموش نکردند، هنوز سرو صدای تبلیغات گوشخراش رادیو و تلویزیون دولتی را که فردای پس از قیام، خیر از آسایش و راحتی و از بی‌س رفتن مشکلات مردم می‌داد در گوش خود دارند و وعده‌های سرخرمن دولت را که مرده (!) مجانی شدن اتوبوس، آب و برق را می‌داد، فراموش ننموده‌اند. . . که قیمت گوشت دو برابر می‌شود، اجاره خانه‌ها چندین برابر شده و قیمت بلیط‌های اتوبوس، هر روز بیشتر از روز پیش افزایش می‌یابد.

آیا واقعا دو برابر شدن قیمت اتوبوس "مجیدیه عشرت آباد" به نفع زحمتکشان این ناحیه است؟ یا برای پیر کردن خزانه خالی دولت که میلیاردها دلار دیپول نفت تاکنون نواسته است آن را پر کنند و یا میلیاردها دلار آن صرف خرید سلاح و مهمات جنگی می‌شود؟

هر روز که می‌گذرد کارگران و زحمتکشان فشارگرانی و تورم را که ناشی از ادامه حاکمیت سرمایه‌داران است، بیشتر بر کرده خود احساس می‌کنند و به ماهیت حاکمیت به اصطلاح "ملی و مترقی" بیشتر می‌برند.

کارگران و زحمتکشان!

باعریا نترسند چهره واقعی "دولت حامی مستضعفان!" با تشکل در شوراها و انجمنهای واقعی محلی برای بدست آوردن حقوق پایمال شده خود اقدام کنید!

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "شمس آباد مجیدیه" ۱۳۵۹/۶/۲۲

سرکوبگران خلق کردند دشمن همه خلقهای ایران هستند

کار

نظام اداری حاکم وساستهای هیئت حاکمه

بقیما از صفحه ۱
این دستگاه که طبقه سرمایه دار را در امر استثمار توده های زحمتکش و تحت انقیاد نگه داشتن آنها یاری می رساند، همانند ارتش دستگاهی انگل است که طبقه کارگر و توده های زحمتکش در هر انقلاب خود در هم شکست این دو دستگاه را همارا ندید دیگر نهادها و ارگانهای جامعه سرمایه داری وظیفه خود قرار میدهند. شاهد بودیم که توده ها در قیام بهمن ماه بطور غریزی در جهت درهم شکستن این ارگانها حرکت کردند اما حاکمیتی که پس از قیام بر سر کار آمد از آنجائیکه حفظ این دستگاه را با موجودیت خویش مرتبط می دانست در حفظ و بازسازی آن کوشید و تنها زیر فشار توده ها، مجبور شد، کمر فرمهای ناچیزی در این دستگاه بنماید. هیئت حاکمه در این زمینه نیز همانند زمینمهای دیگر سیاست فریب و بیانحراف کشاندن خواست مردم را پیشه کرده است و می کوشد ناراضی توده های مردم را از ادارات دولتی و سیستم حاکم بر آنها به نحوی منحرف کرده و افراد، یعنی پاره های کارمندان را مسئول معرفی کند. تا بدین طریق سیستم اداری موجود را بهمان شکل گذشته حفظ کند. اما بسیار جالب است که مینیم دولت معظور پاسخگوئی به خواست مردم در این زمینه ها به چه شیوه هایی متوسل می شود. میدانیم که در اثناء اوج گیری جنبش توده های انبوهی از کارمندان جزء ادارات که آنها نیز در رژیم وابسته به امیرالیم شاه تحت فشار قرار داشتند، به مبارزات توده های زحمتکش پیوستند و همگام با اعتصابات قابل توجه خود، دست بیک سری افشاگریها علیه رژیم شاه و دارودسته حاکم زدند. نمونه بارز آن انتشار اسناد افشاءگرانه کارمندان بانکها و انتشار لیست خارج کنندگان ارز، درباریان، وزرا، وکلا، زترالها و تمامی دزدان ثروت های ملی بود. اما در عوض رده های بالای سیستم اداری

تظیر کارمندان عالی رتبه، مدیران کل، معاونین، استانداران و امثالهم شدیداً در مقابل مردم و جنبش آنها ایستادند و تا آخرین لحظات سقوط رژیم لحظهای در خیانت مردم و خدمت به سرمایه داران و رژیم شاه درنگ نکردند. پس از قیام مردم شاهد بودند دولتی که بر سر کار آمدنه تنها در جهت نابودی این دستگاه گامی برنداشت (که البته نمی خواست بردارد، چون با منافع سرمایه داران در تضاد بود) بلکه بجز تعدادی چند از بی پروترین این افراد که می افزار کرده و یا کنار گذاشته شدند محدودا بسیاری از همان افراد در راس ادارات و مقامهای اداری قرار گرفتند، در عوض سیاست انحلال شوراهای کارمندان و تصفیه فعالترین عناصر ضد رژیم شاه آغاز شد و اکنون هیئت حاکمه می کوشد کمر فرم خود را در ادارات با تصفیه نیروهای مترقی و انقلابی پیش برد. تصویب نامه شورای انقلاب در مورد کاهش کارمندان "زائد" در شرایط بحران اقتصادی حاکم نیز بخوبی ماهیت اقدامات هیئت حاکمه را نشان می دهد یکی از خصوصیات بارز هر سیستم سرمایه داری وابسته و از جمله ایران رشد سرطانی و افسار گسیخته دستگاه اداری است. هر چند در سیستم اداری بطور کلی از خصوصیات جامعه بورژوازی است اما در جوامعی که سیستم سرمایه داری وابسته بر آنها حاکم است، این دستگاه اداری بنحوی بی سابقه رشد می کند. طبق یک آمار دولتی، این آهنگ رشد کارمندان اداری در هر سال بطور متوسط ده درصد بوده است. یک چنین سیستمی نیروهای فعال جامعه را بجای آنکه بطرف کار تولیدی سوق دهد، عمدتاً "در ادارات سرگرم" می نماید و یک بازار مصرفی پر رونق برای کالا های امپریالیستی فراهم می آورد. با توجه باین واقعیت که جامعه ما با آن

زور بروت، سؤال اینست که اگر قرار باشد نظام دیوانسالاری موجود را که زائیده سیستم سرمایه داری است بر انداخت چه باید کرد؟ پاسخ این سؤال روشن است. حکومت های انقلابی که حل این مسئله را با نابودی سیستم سرمایه داری وابسته در دستور قرار میدهند نباید گرونی مناسبات و ایجاد کارهای تولیدی عملاً نیروهای آزاد شده از نظام دگرگون شد مرا جذب کارهای تولیدی می نمایند. دولت واقعی زحمتکشان که به رهبری طبقه کارگر مستقر میشود با بسیج خلق نیروی در بند نظام دیوانسالاری را آزاد کرده و به نیروی فعاله تولید تبدیل می کند. پرواضح است که در چنین شرایطی این نیرو که خود در دگرگون ساختن جامعه سهیم می شود از چنین برنامه های استقبال خواهد کرد. اما برعکس در جامعه ای که مناسبات سرمایه داری پسا برجاست امکان چنین بدیهی دگرگونی وجود ندارد و بدیهی است که چنین حکومتی نه تنها نمی تواند سیستم حاکم بر ادارات را از بین ببرد بلکه حتی نخواهد توانست رفرمهای محدودی در آن انجام دهد اکنون بوضوح می بینیم حاکمیت کنونی که بر بستر سیستم سرمایه داری وابسته حرکت می کند و مناسبات آنرا دست نخورد می باقی گذاشته که هیچ بلکه در جهت بازسازی آن قدم برمی دارد نه میخواهد و نه میتواند سیستم موجود ادارات را دگرگون سازد؟ واقعیت هان نشان می دهد که سیستم اداری بهمان نحوه گذشته به حیلت خود ادامه میدهد و از نظر کمی نیز با افزوده شدن موسسات و نهادهای جدید این دستگاه باز هم رشد کرده است و به سیستم اداری "غیر مکتبی" نهادهای "مکتبی" هم افزوده شده است. اکنون این دستگاه عریض و طویل که از ثمرات کار زحمتکشان تغذیه می کند و روز بروز با مکیدن خون

آنها فربه تر میشود با رطافت فرسائی رابه توده های زحمتکش تحمیل کرده است. همه ساله هزینه های هنگفتی از درآمدهای ملی، یعنی از ثمره کار کارگران و دیگر توده های زحمتکش، باید باین دستگاه انگل اختصاص یابد. شرایط بحران اقتصادی حاکم بر جامعه و از هم گسیختگی سیستمی که موجود این دستگاه عریض و طویل را اجتناب ناپذیر می ساخت، دولت رابه کاهش تعداد کارمندان ادارات واداشته است. اما هیئت حاکمه در اینجا بایک تیر دو نشان میزند، از یکسو در شرایط بحران و ناتوانی خود تعدادی از کارمندان جزء رابه خیصل بیگاران می افزاید و در همان حال دست به تصفیه و اخراج کارمندان انقلابی میزند تا خود را از شر نفوذ نیروهای انقلابی در ادارات نیز نجات دهد. در این میان یک مسئله دیگر هم مطرح است و آن خانه نشین کردن زنان کارمندان است. اگر وقت کرده باشیم از مدت ها پیش در تبلیغات هیئت حاکمه روی این مسئله تاکید شده است که "زنان باید مادران خوبی باشند" اکنون می بینیم که با دوسره کردن کارمندان و اضافه کردن ساعات کار کارمندان تا ساعت ۳/۵ یا ۴ بعد از ظهر می خواهند عملاً زنان را که مسئولیت بیشتری در قبال فرزندان دارند. به ترک شغل خود وادار نمایند. حجاب اجباری و فشارهای دیگری که به زنان وارد می شوند نیز در این رابطه معنی پیدا می کند. بدین ترتیب بنظر می رسد که زنان همراه با کارمندان جزء انقلابی در مره و اولین عناصر "زائد" خواهند بود که مشمول تصفیه و

رفرم هیئت حاکمه می گردند. توده های آگاه و مبارز میهن ما با شناختی که از حاکمیت و تصفیه های قلبی آن دارند بخوبی میدانند که این لایحه نه در جهت دگرگونی نظام حاکم بر ادارات بلکه چماقی است که تنها بر فرق گروه های مترقی و مبارز کارمندان جزء فرود خواهد آمد و شکل جدیدی است از تصفیه عقیدتی که در آموزش و پرورش و دانشگاهها بسیار دیده شده است و گر نه عناصر چاپلوس و فرصت طلب و خود فروخته و مزدور که امکان در پست و مقام خویش باقی خواهند ماند. نتیجه ای که از اجرای این تصویب نامه حاصل خواهد شد، بیگاری عمده یادی از کارمندان جزء و پیوستن آنان به خیصل بیگاران خواهد بود در حالیکه نظام اداری موجود که بشدت مورد تنفر مردم است دست نخورد می باقی می ماند. تصویب لایحه شورای انقلاب اعتراضات وسیعی را در اشکال مختلف در میان کارمندان ایجاد کرده است و شوراهای کارمندان و کارکنان در وزارت خانه ها و دیگر موسسات دولتی به افشاگری در مورد آن پرداخته اند. کارمندان مبارز و آگاه باید با تشکیل شوراهای و سندیکاهای کارکنان ادارات و طرح خواسته های خود از طریق این تشکل و در ضمن همبستگی و هماهنگی با سایر تشکل های دمکراتیک، نظیر همبستن زنان، استادان و از خواسته های بحق خود دفاع کنند و در همان حال به مبارزه و افشاگری علیه عناصر سرسپرده و وابسته به رژیم سابق و نیز عناصر ارتجاعی دیگر ادامه دهند.



در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید.

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

ماهیت جنگ دولتهای ایران و

بقیمت ۲ صفحه

"کمیته مرکزی" بدون توجه به این امر که کدام طبقات باین جنگ دامن زده، چه چیزی علت جنگ بوده و چه اهدافی را دنبال می کنند، بدون توجه به سیاستهای این دو دولت در ماهها و سالهای قبل از جنگ و نیز بدون در نظر گرفتن تأثیری که این جنگ بر سیاستهای آیندما این دو دولت برجای می گذارد، دفاع طلبی شونیستی را تبلیغ می کنند و از همه مهم میهنان آگاه و مبارز میخوانند که به مرکز بسیج مراجعه کنند و وزیر رهبری بورژوازی تا پای جان از استقلال میهن دفاع کنند. از نظر آنها تنها تجاوز نظامی و سیاست الحاق طلبی رژیم ضد خلقی عراق را باید محکوم کرد اما بمبارانهای دولت ایران در عراق و کشتار توده های زحمتکش آن کشور تجاوز نظامی محسوب نمی شود. آنها بدین طریق بکلی موضع مارکسیستی را نسبت به جنگ کنار گذاشته و توده های راسیونالیست تنگ نظرانه و شونیستی سوق می دهند. چه خوب می گفت لنین که: "تنگ نظران درک نمی کنند که جنگ ادامه سیاست است" و در نتیجه خود را باین فرمول محدود می کنند که "دشمن بیا حمله کرده است" "دشمنی کشور ما را مورد تاخت و تاز قرار داده است"، بدون تفکر در اینکه چه مسائلی در جنگ در خیلند، کدام طبقات بدان دامن میزنند و با چه اهداف سیاسی.

با اعتقاد ما جنگی که اکنون بین دو دولت ایران و عراق در گرفت و میلیونها دلار بطرفین خسارت وارد آورده و هزاران نفر از توده های بی سلاح در آن کشته و زخمی شده اند و بسیاری از تأسیسات صنعتی دو کشور درهم کوبیده شده است، برخلاف منافع توده های زحمتکش هر دو کشور است. با راین جنگ را توده ها باید تحمل کنند. آنها باید هزینه خرابیها، گرانی، افزایش مالیاتها و مخارج جنگی را متحمل شوند. تنها بورژوازی ایران و عراق و امپریالیسم جهانی از این جنگ سود می برند.

میلیاردها دلار هزینه های جنگی به جیب انحصارات امپریالیستی می رود. هزینه بازسازی و ترمیم صنایع و تأسیسات منهدم شده و کشور، بچیب امپریالیسم و بورژوازی ایران و عراق می رود. وابستگی این کشورها افزوده خواهد شد. بورژوازی این دو کشور هم از شرایط جنگ و هم از شرایط پس از جنگ به بهترین وجه بهره می گیرند و سودهای کلانی بچیب میزنند.

بورژوازی ایران و عراق می کوشد تا با برانگیختن ناسیونالیسم تنگ نظرانه دشمنی بین خلقهای ایران و عراق عرب و عجم را برانگیزند. نیروهای انقلابی باید علیه سیاستهای که می کوشد مبارزه توده ها را به کانالهای انحرافی بکشاند و آنرا از مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته منحرف سازد و مبارزه برخیزند. این یگانه سیاست پرولتاری و انترناسیونالیستی است.

باید به توده ها موخت که وطن پرستی بورژوازی کاذب است. زمانی که منافعش ایجاب کند، با بورژوازی کشور دیگر بندوبست میکند. میهن را میفروشد و توده ها را سرکوب میکند. بیاد داریم که بورژوازی عراق در دوران رژیم مزدور شاه چگونه برای سرکوب خلق کرد، با رژیم شاه بندوبست کرد.

ما میگوئیم که جنگ دولتهای ایران و عراق، تنها و تنها در خدمت و منافع سرمایه داران دو کشور

و امپریالیسم جهانی است. برتری طلبی رژیم عراق در منطقه بمنظور بدست آوردن مواضع استراتژیک در مرزهای ایران و خلیج فارس در خدمت امپریالیسم و بورژوازی عراق است. رژیم عراق اکنون میکوشد با اشغال مناطقی از خاک ایران بورژوازی ایران را وادار کند تا حاکمیت برتری طلبان عراقی را بر او برود و مناطق مرزی استراتژیک نزدیک به قصر شیرین و بر مناطق حساس خلیج فارس بپذیرد.

از سوی دیگر این جنگ منجر به تقویت لیبرالها در ایران شده است. هم اکنون جناح بنی صدر از موقعیت برتری درون هیئت حاکمه برخوردار شده است.

هیئت حاکمه اقدامات ضد مکرانیک خود را گسترش داده است. نتیجه جنگ هر چه باشد بورژوازی وابسته ایران و امپریالیسم از آن نفع میبرند. زمینه برای صدور سرمایه های امپریالیستی و خریدهای کلان از کشورهای امپریالیستی فراهم میشود. بازار بورژوازی رونق می یابد و سودهای کلانی نصیب آن میشود و از همه مهمتر ارتش منسجم، سازمان یافته و سرپا مسلح از این جنگ سر بر میآورد. ارتش ضد خلقی که جمهوری اسلامی را نیز بگور خواهد سپرد. جنگ، وابستگی ارتش به امپریالیسم را بیشتر خواهد کرد. هم اکنون هزینه های کلانی صرف خرید تجهیزات نظامی میشود که مستقیماً بچیب امپریالیسم آمریکا می رود.

ما امروز در شرایطی که موج ناسیونالیسم سراسر کشور را فرا گرفته است و همه به ستایش ارتش میپردازند توده های زحمتکش هشدار میدهند که تقویت ارتش ضد خلقی خلاف منافع توده های زحمتکش است، تنها امپریالیسم و سرمایه داران وابسته از تقویت این ارتش ضد خلقی نفع میبرند. این ارتش همان ارتشی است که در دوران رژیم شاه به سرکوب توده های سراسر ایران پرداخت. ارتشی که هفده شهریور، سیزده آبان و... را آفرید و تاکنون صدها هزار نفر از زحمتکش را به خاک و خون کشیده است. در دوران رژیم جمهوری اسلامی، خلقهای ایران را سرکوب کرده است. چندی پیش طرح توطئه کودتا بنفع سرمایه داران بزرگ و وابسته را ریخته بود. در ماهیت این ارتش تغییری صورت نگرفته است.

ما میگوئیم بعوض تقویت ارتش بایدارگانهای توده های نظیر شوراهای تقویت کرد و به تسلیح زحمتکش پرداخت. تنها راه مقابله و مبارزه با امپریالیسم و هرگونه تجاوزی تسلیح توده ها است. توده ها می توانند در برابر قدرت لایزال آنها پیشرفته ترین سلاح ها کارائی خود را از دست میدهد. ما تنها جنگی را عادلانه و انقلابی میشناسیم که از جانب توده های زحمتکش برای رهایی از قیدستم و وابستگی، بندگی و استثمار بردان دامن زده شده است. ما هر جنگی را محکوم نمیکنیم، ما در مقابل هرگونه تجاوزی از جمله تجاوزات عراق، به تسلیح توده ها تحت رهبری ارگانهای توده های معتقدیم و نه ارتش ضد خلقی، به رهبری بورژوازی و وظیفه نیروهای انقلابی ایران و عراق است که با سیاست مستقل خود توده ها را علیه تجاوز بورژوازی و امپریالیسم رهبری کنند. فیروهای انقلابی عراق باید پیگیرانه رژیم ضد خلقی و ارتجاعی عراق را افشا کرده و وسیعاً دست به مبارزه علیه آن بزنند حتی چنانچه شرایط عینی آماده است جنگ را به یک جنگ داخلی علیه لیبرال تبدیل کنند. اما در ایران که هنوز توده های مردم به حاکمیت اعتماد دارند هرگونه شعار تبدیل جنگ به یک جنگ داخلی ماجراجویانه و چپ روانه است. سیاست درست نیروهای انقلابی در ایران این است که در عین افشای ماهیت جنگ و حاکمیت، توده ها را در تشکل های خود نظیر شوراهای کمیته های محلی و دیگر ارگانهای توده های متشکل و مسلح سازند و تحت رهبری نیروهای انقلابی و ارگانهای توده های علیه هرگونه تجاوز و سیاست

الحاق ارضی از جمله متجاوزین عراقی بمبارازه برخیزند. تنها سیاست درست در مقطع کنونی، تسلیح توده ها در ارگانهای توده های است.

رفقای هوادار!

با افشای ماهیت ارتجاعی جنگ، برای دفاع از منافع زحمتکشان میهن، به رهنمود های ذیل توجه کرده و به آنها عمل کنید:

۱. ضمن تبلیغ برای مسلح شدن توده ها آنها را در شوراهای انقلابی متشکل کنید و سیاست های هیئت حاکمه را (که مخالف تسلیح توده ها است و حتی به خلع سلاح مردم ببادرت میوزد) افشا کنید.

۲. با تشکیل هسته های مسلح، بطور مستقل بدفاع مسلحانه از شهرها و مناطق جنگ زده برخیزید.

۳. با سازماندهی کارگران و زحمتکشان در هسته های مقاومت توده های در کارخانجات، کارخانه ها را به سنگ های مقاومت توده های تبدیل کنید.

۴. بمنظور تهیه و توزیع اوراق عمومی و مواد سوختی... کمیته های محلی را سازماندهی کنید.

۵. برای کمک رسانی به مصدومین و مجروحین جنگ، کمیته های امداد برپا کنید.

۶. برای هماهنگی فعالیتها و اتخاذ سیاستهای درست، مراکز خبری و ارتباطی ایجاد کنید و با نیروهای انقلابی صمیمانه همکاری نموده و اتحاد عمل داشته باشید.

۷. اثرات زیانبار جنگ را (از قبیل گرسنگی، قحطی، خرابی و سایر مصائبی که برای مردم ببار میآورد) برای توده ها توضیح دهید و به منظور دفاع از منافع زحمتکشان

قطع فوری جنگ و برقراری

آتش بس و بازگشت نیروهای نظامی را به مواضع قبل از جنگ وسیعاً تبلیغ کنید.



مفتشین جمهوری اسلامی و معلمین مبارز و آگاه

رژیم جمهوری اسلامی کسه بقای خود را در ناآگاهی و تحقیر توده ها جستجو می کند ، ناگزیر است بهر طریق جلوی رشد آگاهی آنان را بگیرد . برای استقرار "جامعه صد در صد اسلامی" ، غیو قانونی کردن روزنامه های انقلابی بوطئه برای تسخیر یا تعطیل روزنامه های مترقی ، ایجاد جو خفقان ، سانسور ، دروغ پراکنی و تحریف حقایق در روزنامه های "بسته و صدا و سیما" جمهوری اسلامی کافی نیست . می باید بخیال خود ، کانا ل های محدود و مدا و ما تحت فشار نشریات انقلابی را از طریق دستگیری و حتی ترور فرروشنندگان این نشریات و پخش کنندگان اعلامیه های سازمان نه های کمونیستی و دموکرات - مسدود کند . حتی تلاش (مذبوحانه) برای نابودی گروه ها و سازمان های مدافع زحمتکشان ، رضایت خاطر سردمداران جمهوری اسلامی را فراهم نمی کند بلکه لازمست افراد و عناصر آگاه و بالقوه یا بالفعل آگاهی دهنده نیز در کارخانه ها ، ادارات ارتش و آموزش و پرورش ، از طریق هیات های "پاکسازی" یا استفاد شوه های قرون وسطی تفتیش عقاید زمین برون دنا جامعه آرمانی کوتوال های قلعه ارتجاع و ستم طبقاتی ، متحقق گردد .

رژیم جمهوری اسلامی در "پاکسازی" کارخانه ها ، ادارات و ادارات ، قبل از همه نابودی خطر بالفعل آنی را در نظر دارد در حالی که از "پاکسازی" در آموزش و پرورش ، علاوه بر نابودی خطر فوق ، خصوصاً رفع خطر بالقوه آنی ، مورد توجه اوست بدین معنا که بخیال خود می خواهد برای نسل های آینده برنامه ریزی کند .

جمهوری اسلامی پس از تعطیل دانشگاه ها ، برای تکمیل "انقلاب فرهنگی" خود بسیار علاقه داشت که در های مدارس نیز برای مدت کم و بیش طولانی بیندولی از روی مصلحت اندیشی (مصلحت اندیشی بخاطر

حفظ رژیم و نه بخاطر توده ها) ، فعلا از این امر چشم پوشیده است زیرا با ابتکار ، علا و ه برپا تصد هزار معلم و بیش از ده میلیون دانش آموز ، خود را تقریباً با تمام جمعیت کشور بطور مستقیم درگیر می یافت .

حاکمیت برای "پاکسازی" معلمان آگاه و مترقی ، از تعطیلات تابستانی و عدم حضور فعال معلمان و دانش آموزان برای پیشبرد مقاصد ارتجاعی اش استفاده کرده است تا با مشکلاتی که در او خرفورودین ما گذشته در جریان "پاکسازی" دانشگاهها بوجود آمده و کلی رسوائی برایش ببار آورده بود جلوگیری کند . البته رهبران جمهوری اسلامی بخوبی می دانند که اخراج چند ده هزار معلم آگاه و مبارز ، در داورادمان نمی کند . شکل مطلوب "پاکسازی" برای رژیم ، تعطیل دبستانها و دبیرستانهای سراسر کشور برای مدت یک یا دو سال است ولی بدلیلی که گفته شد ، متاسفانه برای رژیم ، چنین امکانی وجود ندارد و ناچار است که به سیاست گام به گام متوسل شود . گام اول (که تاکنون برداشته شده) این بوده که تا آغاز سال تحصیلی ، خطرناکترین و مزاحم ترین معلمین (برای رژیم) را از صحنه مدارس دور کند و بهترین شیوه ای که برای "شناسائی" این افراد بمنظور علیل طراحان پاکسازی جمهوری اسلامی رسیده است همانا شیوه ایست که دوران انکیزا سیون قرون وسطی یعنی از دوران مخوف حکومت رهبران کلیسا در اروپا برای حاکمیت به ارث مانده است .

ببینیم برای "پاکسازی" "سالم سازی" و "انقلاب فرهنگی" بروایت جمهوری اسلامی ، چه نوع سئوالاتی از معلمین بعمل می آید . هیات "پاکسازی" در آغاز از معلم می خواهد که بگوید : "سؤگند یا دمی کنم صادقانه جواب بدهم" .

خوانند هم ممکنست تصور کنید که سئوالات "هیات پاکسازی" در رابطه است با شناسائی پاره ای از

آشنا شدید ؟ نظرتان را راجع بنا آنها چیست ؟

- چه گروهها و اجزایی بهترند ؟
- چنانچه انتقاداتی بر کتاب "اقتصاد بزبان ساده" دارید ؟
- سرکلاس چه بحثها تالی داشته و راجع به چه مسائلی بحث میکردید ؟
(از فردی که مسئول کتابخانه بود) : شما بعنوان مسئول کتابخانه چه کتابهایی را به شاگردان معرفی می کردید ؟

- نظرتان راجع به کردستان چیست ؟ گروههای ضد انقلاب در کردستان کدامند ؟ بهتر تیب نام ببرید .

- آیا بنظر شما بهتر نیست که یک حزب بخصوص از انحصار طلبی دست بردار دود دیگر گروهها هم فعالیت کنند ؟ چه گروههایی ؟ بهتر تیب نام ببرید .

- تا چنانچه از همه قانن اساسی اعتقاد دارید ؟ چنانچه انتقاداتی به قانن اساسی دارید ؟

اگر معلم واقعا یک فرد سیاسی و آیدار ای تمایلات انقلابی و مترقی نبود آیا اگر بود ولی مقاومت کرد و به اصطلاح بند را آب نداد ، مفتشین جمهوری اسلامی ، با برخورداری از تجربیات بازجویان ساواک ، نا امید نمی شوند و سئوالات را بنحود بگروا و زوا و به دیگر ولی همواره در تعقیب یک هدف یعنی دسترسی به اعتقادات سیاسی و آیدتولوژیک معلم - دنبال می کنند ؛

چه گروههایی در خط انقلاب هستند ؟

- راجع به اسلام چه مطالعاتی دارید ؟

- راجع به سایر مکاتب چه مطالعاتی دارید ؟

- بنظر شما فعالیت گروهها و سازمانهای مختلف ، کدامشان و برای جمهوری اسلامی مفید است ؟ کدامشان مضرات ؟ بهتر تیب نام ببرید .

- تا چه حد خود را اسلامی می دانید ؟

نه فقط شیوه ساواک بلکه دقیقاً عبارات ساواک را بکار می برند و مانند بازجویان ساواک ، بدون هیچ شرم و وقاحتی ، انقلابیون جان برکف فدائی و مجاهدان دشمنان آشتی ناپذیر رژیم شافرا (به تقلید از رهبران شان که معتقدند آنها فقط "چند فشفشه در کردند") ، "خرابکار" می نامند و برای اینکه بالاخره به اعتقادات سیاسی معلم پی ببرند از و می پرسند :

- قبل از انقلاب راجع به خرابکارها چه نظری داشتید ؟

مفتشین جمهوری اسلامی اگر

باز به هدف مورد نظر خود نرسیدند از سختی معلم عصیان می شوند ، اول تهدید می کنند و شیخ قطع حقوق و بیکاری را در مقابل چشمش به نمایش می گذارند ؛

- فکر می کنید بچه دلیلی شمارا اینجا دعوت کردند ؟

- اگر پاکسازی شوید چه دلیلی برای رد آن دارید ؟

- در صورت پاکسازی چه عکس العملی نشان میدهید ؟

و بعد تهمت می زنند ، دروغ می گویند تا شاید معلم را تسلیم کنند ؛

- مگر بخشنا ما قای رجا تالی تبلیغ سیاسی را در مدرسه ممنوع نکرد بود ، پس چرا شما اجازه تبلیغ می دادید ؟

- چرا در مدرسه به گروهها و سازمانها اجازه فعالیت میدادید ؟

- با بچه ها که به جلوسفارت رفتید چرا شعارها را بر برگردانید ؟

و اگر از تهدیدها و اتهام دروغین هم نتیجه ای بدست نیامسد باز جویان ناگهان نرم می شوند ، لحن عوض می شود ، نحوه طرح سئوالات هم عوض می شود ، البته بدون اینکه یک لحظه از سیدن به هدف اصلی که شناسائی معلم است چشم پشویند ، در آغاز ، یک سلسله سئوالات بظا هر عادی طرح می کنند ؛

- جو مدرسه شما چه فرقی با دانشگاه داشته ؟

- آیا قبل و بعد از انقلاب ، عملی بر تکب شده یا بد که حال پیشیمان باشد ؟

- آیا چه حد در رابطه با انقلاب کمک کردید ؟

(سؤال از معلمی که در ضمن دانشجو است) : آیا قبلاً از انقلاب ، در اعتصابات دانشجویی شرکت می کردید ؟

و بعد ، خیلی دوستانه و خودمانی ، با معلم به مشورت می نشینند و برای حل معضلات جامعه و مسائل مربوط به انقلاب فرهنگی و پاکسازی ، از او نظر می خواهند ؛

- برای رسیدن به هدفهای انقلاب چه توصیه ای دارید ؟

برنامه خدا قل شما چیست ؟

- نظرتان راجع به پاکسازی چیست ؟

- انتقاد یا پیشنهادی اگر راجع به پاکسازی دارید ، بدهید .

- برای انقلاب فرهنگی و بهتر شدن اوضاع چه نظری دارید ؟

مفتشین جمهوری اسلامی شناسائی معلم به تنهایی را مورد نظردارند و برایشان کافی نیست که فقط زوایای افکار او را

بقیه در صفحه ۷

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

با کمکهای مالی

خود سازمان ریااری رسانید!

رفقا، دوستان، هواداران

همانطور که اطلاع دارید، پس از انشعاب، کمیته مرکزی از تحویل هرگونه امکانات به سازمان خودداری کرد. باتوجه به اینکه گسترش فعالیت های هر سازمان انقلابی بی به کمک های هواداران و طرفداران آن سازمان بستگی دارد از کلیه رفقا، دوستان و هواداران میخواهیم که ما را از امکانات خود با خبر کنند و بالاخص کمک های مالی خود را از راه های مطمئنی که میشناسند برای ما بفرستند.



بکوشیم

ماهیت حاکمیت و دارودسته های مزدور و وابسته به سرمایه های بزرگ را

افشا کنیم

و فرصت طلبان سازشکار کمیته مرکزی را از جنبش طرد نمائیم

مردم آگاه و مبارزان رزمنه ای که با دلورانه غلیظ میگردید طی این مدت توده های زحمتکش میهن ما را با حمایت جمهوری اسلامی محروم کرده اند...

مردم آگاه و مبارزان رزمنه ای که با دلورانه غلیظ میگردید طی این مدت توده های زحمتکش میهن ما را با حمایت جمهوری اسلامی محروم کرده اند...

نابود باد توطئه های سوا مریبان و فرصت طلبان مرگ بردار و دستهای مزدور و وابسته به سرمایه های بزرگ امپریالیستی...

در افسشای کمیته مرکزی اپورتونیست بکوشیم

رفقا!

جنبش کمونیستی ایران روزهای حساسی را میگذراند. این جنبش که پس از سالهای ۲۲ به واسطه خیانت حزب توده منگتک جنبش فدائی ایلیستی دموکراتیک آن سالها با کوشش امریکائی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دچار کودتای دیکتاتورانه و به وسیله هروران انقلابی خود...

اگر حزب توده به واسطه خیانت توطئه ایلیستی در جنبش نمی توانست تیرویی به حساب آید بیایان با بهره گرفتن از نام فدائی که بیشتر از نام فدائیان دلاورانه میسر از آن بوده...

بهر روز با دمای زوات توده های زحمتکش میهن ما مرگ بردار و وابسته به سرمایه های بزرگ امپریالیستی...

Table with 4 columns: Name, Amount, and other details. Includes entries like 'رفقای با بلسر', 'رفقای دکه دار ه سح', 'رفقای انگلیس ۴۰۳۳', etc.

استقلال - کار - مکن - آزادی

خبرهایی از دوروز اول جنگ در خوزستان

بولوتفا آمده شده است . سازماندهی این فعالیت را سازمان ما بعهده دارد .
۲ بعد از ظهر ۲ مهر شهر کاملاخلوت است هرکس برای خود پناهیگاهی اختیار کرده عدا می در خرابه های آموزش و پرورش مشغول بردن آتشیه و پرونده های این ادار هستند در این لحظه یک میگ عراق ظاهر شده و حدود ۵ راکت بمبظه نامعلومی از آبادان (احتمالا سده) بلافاصله را دیو آبادان اعلام میکنند که یکی از میگها توسط ارتش ایران سقوط کرده است .

پاسداران و ارتش هیچ کنترلی بر شهر ندارند قوا نینی که آنها برای عبور و مرور در شهر وضع میکنند مردم علنا زیر پا میگذارند و تقریباً هیچکس با آنها همکاری نمیکند . تمامی مشاهدات ما نشان میدهد که مردم خواستار مسلح شدن هستند آنها رژیم فوق العاده عصیانند که آنها را مسلح نمیکند .

مناطق نفتی صورت میگیرد - توده ها برای خاموش ساختن حریق با رگانه های دولتی همکاری نمی کنند و اساساً خود را بیگانه با ارتش و سیاه می بینند ، چرا که فاطمه سرسبز -
حکومت جمهوری اسلامی توسط (ارتش و سپاه پاسداران) در خاطر توده ها باقیست اما در کنار نیروهای انقلابی قرار دارند . نکته دیگر این که ارتش عراق در آبادان به مناطق و پاسگاههای نظامی حمله نمی کند (تا ساعت ۶ بعد از ظهر ۲ مهر) و عمدتاً حملات خود را معطوف به مراکز صنعتی (عمدتاً نفت) کرده است .

تمامی مراکز آموزشی آبادان و خرمشهر تا اطلاع بعدی تعطیل اعلام شده است .
ساعت ۹ صبح منطقه بهوارده کاملاخلوت است . دلیل این امر حملاتی است که در شب (۱ مهر) به این منطقه صورت گرفت . ساعت ۱۱ صبح یکی از کوجه های خیابان بازرگان سنگربندی شد و صدها کوکتل

دارد (۱ مهر) - مناطق ذوالفقاری و بوآرده جنوبی و سده عمدتاً از ساکنین خود تخلیه شده است و مردم بسرعت شهر را با دان رابه سوی اهواز ترک میگویند . در این ساعت (۳ بعد از ظهر) تمامی کارهای آبادان مطلوباً مسافر است . کمبود بنزین این از دحام را چند برابر ساخته است .

از ساعت ۱۰ صبح شهر آبادان تماماً سنگربندی شد . برپائی این سنگرها عمدتاً از سوی نیروهای انقلابی صورت گرفت . مناطق عروسیه و احمد آباد تقریباً در اختیار نیروهای انقلابی است و آنها همگما حضور دارند . از سوی سازمان های انقلابی نخستین چادر امداد در خیابان احمدآباد برپا شد . رادیو آبادان تبلیغات مسمومی را علیه نیروهای انقلابی دامن میزند و آنها را متهم به شایعه پراکنی و فرصت طلبی میکند .

در آتش سوزیهای که در

حلال احمر ، شرکت نفت انباشته از مجروحین است . مطلعین به مسائل نفت آمار خسارات را به پالایشگاه و مخازن و لوله های نفت - میلیاردها تومان برآورد میکنند . با توجه به ضایعات وارده به پالایشگاه حدود ۱ تا ۳ ماه فرصت لازم است که پالایشگاه کار طبیعی خود را آغاز کند در این ساعت (۵ بعد از ظهر ۲ مهر) شعله های آتش از منطقه پالایشگاه لوله های نفت و (تانک فارم) به آسمان زیانسه میکشد و نیمی از شهر آبادان را روشن کرده است .

در بعد از ظهر ۲ مهر یک شورش وسیع در زندان آبادان بوقوع پیوست در این لحظه (ساعت ۵ بعد از ظهر) زندان به محاصره نیروهای شهر بانی درآمد و است و تیراندازی های پراکنده ای در اطراف زندان صورت میگیرد . در این ساعت (۷ بعد از ظهر) شایع است که زندانیان موفق به فرار شده اند . جاده اهواز - آبادان (دارخوین) ترافیک سنگینی

شنبه ۱ مهر در این روز حملات هوایی ارتش عراق شدت تازهای گرفت بین شدت تا (۲ مهر) همچنان ادامه داشته و در ساعت ۱۰ صبح (۲ مهر) بمباران خود رسید . از صبح (۲ مهر) حملات هوایی عراق شکل جدی و درون مرزی خود گرفت . و در فاصله ساعات ۱۰ تا ۱۲ ظهر چندین نقطه آبادان بمباران شد . از جمله نقاط مهمی که در این روز (۲ مهر) با راکت بمباران شد ، پالایشگاه آبادان ، لوله های نفت و گاز در منطقه بوآرده جنوبی ، مخازن نفت ، بنزین ، گازوئیل در منطقه (تانک فارم) ، اداره آموزش و پرورش و منطقه والفقاری - بودند . در این حملات از آمار دقیق تلفات جانی اطلاعی در دست نیست ، اما مشاهدات عینی رفقا نشان میدهد که فقط در جریان بمباران آموزش و پرورش دقیقاً ۲۰ جسد زنی و آوار بیرون آورده شده است . در حال حاضر (عضو ۲ مهر) بیمارستانهای طالقانی

مزارع برنج روستاهای اطراف رود سر بعلت کم آبی سوخت

کسزارش روستایی

نوشتند ۳۰٪ و جانی را که ۸۰٪ مزرعه سوختما نیست نوشتند ۵۰٪ ، تازه معلوم نیست که و امی به دهقانان خسارت دیدند هندیان ؟
زحمتکشان هر روز بیشتر به تو خالی بودن وعده ها و شطرها های حکومت جمهوری اسلامی پی می برند و در کوران کار و تلاش سخت روزمره شان بموضوع در می یابند که این رژیم نمی تواند حتی نیازهای ابتدائی آنها را برآورده سازد چهره سد به تحقق خواست های انقلابی و ریشه ای آنها هر روز بیشتر با این حقیقت پی می برند که تنها و تنها با نابودی و متلاشی شدن نظام سرمایه داری وابسته و محسوس سرمایه داران و زمینداران به دست توانای کارگران ، دهقانان و زحمتکشان خواست ها و نیازهای آنها برآورده میشود .

ساقه خوار و سبزه خوار و ... را بطور قاطع از بین نمی برد ؟ چرا این کودهای آمریکائی را که عامل افزایش کرم های خانمان برانداز هستند به کشاورزان می دهد ؟ چرا اسم پدر بخوری نمی دهد تاریخ ما این کرم ها را بسوزانیم ؟ چرا مشکل عظیم کم آبی را برطرف نمی کند ؟ چرا ... هنوز دهقانان کمرشان زیر ورم های سنگین تعاونی و کشاورزی با همان ضوابط دوره شاه ، خم می شود . یکی از زحمتکشان روستائی می گفت : " مثل زمان شاه می آیند می پرسند چه کمبود دارید ؟ می گوئیم مدرسه حمام ، آب ، چاه ، زمین و هر چه که سالها به آنها احتیاج داشتیم ، آنها گوش می کنند و می نویسند می روند و دیگر هم پیدایشان نمی شود . عین همان وقت ... چند وقت پیش یک گروه آمدند میزان سوختن مزارع را تخمین بزنند ، جانی را که پنجاه درصد سوخته بود

ادارات و سازمان های دیربط اقدام جامع و قاطعی برای روستائیان انجام ندادند . روستائیان به دلیل احتیاج میرمی که به آب داشتند ، با این تصور که جهاد سائندگی می تواند به خواست های آنها رسیدگی کند ، به این نهاد متوسل شدند اما این نهاد به اصطلاح انقلابی هم با سردواندن روستائیمان زحمتکش سرانجام آنها را به ژاندارمری حواله داد . ژاندارمری هم به گرفتن تقاضا نامه رسمی از روستائیان اکتفا کرد .

دهقانان زحمتکش روستاهای حومه رود سر نه تنها از مشکل کم آبی و نبود چاه های عمیق اضطراری در منطقه به ستوه آمده اند بلکه از ناتوانی حکومت در اقدام برای بهبود وضع کشت برنج و آذینا داین محصول خشمگین شده اند . دهقانان می پرسند : دولت چرا آفت های از قبیل کرم

لاینحل باقی مانده است . سوختن مزارع دهقانان رنجبر روستاهای گیلان در سال جاری نمونه های برجسته و دردناکی است از ظلم و ستمی که بر دهقانان محروم و وطنمان روا می شود .

هنگام برداشت محصول برنج هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به یاری کشاورزان شتافتند . آنها میگفتند با برکردن مشکل است که مزارع در گیلان از کم آبی بسوزند ، گیلان سرسبز و حاصل خیز ، این خسارت کشاورزان تنها نتیجه سهل انگاری و عدم رسیدگی دولت است .

کشاورزان محروم این مناطق که بی آبی سالهای قبل را تجربه کرده بودند ، امسال با دیدن کمی بارندگی به سازمان آب و فرمانداری مراجع کردند تا قبل از اینکه بی آبی مزارع تشنه را بسوزاند برای تامین آب اقدام کنند اما هیچکدام از

کشت و زرع برنج ، کار اصلی دهقانان گیلان است . امسال وضع محصول چندان رضایت بخش نبود زیرا اکثر مزارع به علت کمبود و نبود آب کافی سوخت و از بین رفت . سوختن مزارع که در حقیقت سوختن تلاش و دسترنج زحمتکشان است . در بعضی روستاها حتی به هشتاد درصد می رسد . زحمتکشان روستاهای گیلان امید داشتند که با سرنگونی رژیم شاه ، فشار هائی که از سوی دستگاه های اداری مانند سازمان آب بخشداری و فرمانداری بر آنها تحمیل می شد از بین برود اما هنوز هم همان تنگنا ها و روابط پیچیده اداری گریبانگیر روستائیان زحمتکش است . دست غارتگر زمینداران و مالکان از زندگی دهقانان محروم قطع نشده ، هزاران مشکل روستائیان مانند کمبود آب و ابزار کود و ماشین آلات و چاه ها و ... همچنان

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

گرامی باد خاطره شهدای مهرماه

**با خون تنان
که رنگ شقایق
در برگ و همیشه سحرگهان است
و پرچمی می افزایم**

**در پیش خالق
تا چون ستاره سرخی
در این شبان تیره نامرده می
روشن کند ره رهانی ما را**

چیزهای همسال جوانکه
با غمهای دیگر - تا یاد
زبانهای غار میشود که بر
برسبان خوشبختانند
بخان در راه رها نمی خلت
تدا کردند. انسان به ما
آخوند که تا با جان
در راه آرمان زحمتگان
تا ستم و هرگزین به تسلیم
و سازند هم. انسان از
نشان خلق برخاستند و
برای خلق، ستم، خویش را
سرگولونه های دژ خیمان
استند و امیرالایسم
کردند. خاطره اینان
که هوسار و غمناک، سهم
جان را در این مبارزه
سازان خوش برداختند
چند به یاد ما خواهد
آورد که جز در راه بیروزی
کارگر باور خیمکنان بر
سرمه ما به برآوردگر

نرویم و هرگز با دشمنان
خلق سازش نکنیم.
در نخستین روزهای
مهرماه سال پنجاه و سه
فدائی خلق رفیق جنگیز
عبادی، رفیق محمدعلی
سالمی و رفیق حسین سید
نورادی در درگیری با
پلیس و ساواک شاه، شهادت
رسیدند. رفیق محمدعلی
سالمی متولد ۱۳۲۵ در شهر
کرمانشا بوده و در رفیق
جنگیز تنها دی که در سال
۱۳۱۹ در روستای یا شا کلا
(با بل) بدنیا آمد دکترای
خود را در رشته پزشکی از
دانشگاه تهران گرفته
بود. وی در سال ۴۷ با همسر
خوش فدائی شهید مهریوش
ایراهیمی ازدواج کرد
و هر دو بیگانه چند روز در
درگیری با عوامل مزدور

شاه شهادت رسیدند.
در روز هشتم مهرماه سال
۵۴ فدائی خلق، رفیق بروین
فاطمی که در سال ۱۳۲۱ در
محله خانی آباد تهران
به دنیا آمده بود فارغ التحصیل
مدرسه عالی بازرگانی
بود، در راه آرمان خوشی
شهادت رسید. رفیق که
همراه یک تم، با موتور
بخش اعلامیه بود، مورد
شلیک و تعقیب مزدوران
ساواک قرار گرفت و سا
خوردن سانوره صف
شهادت پیوست.
روز دهم مهرماه سال
پنجاه، فداشان خلق،
رفقا منوچهریهای شور
متولد ۱۳۲۴ در لاهیجان و
مهریوش ایراهیمی متولد
۱۳۲۶ در روستای روشن
آباد (با بل) از پدر تهری

با مزدوران ساواک ویلیس
هنگام تخلیه پایگاهشان
در سه راه آذری، شهادت
رسیدند. فدائی شهید
مهریوش ایراهیمی چند
سالی در رشته پزشکی در
دانشگاه تهران به تحصیل
پرداخت و پس از آن همراه
همسر و همرزم خویش جنگیز
عبادی، در روستاهای
شمال بعدا و ای بیماران
روستای برداخت وی
اولین فدائی زن است که
بدرجه شهادت رسیده اما
بیش از شهادت، چندین
تن از مزدوران راهلاکت
رسانید.
در روز هفدهم مهرماه
سال پنجاه و پنج، تن از
رفقای گروه آرمان خلقی،
رفقا همایون کثیراکی
ساججوی دانشکده ادبیات

شهرسور، هوشنگ تنگ کارگر،
بهرام طاهرزاده دانشجو
وسایهی دانش، ناصر کریمی
کارگر رفیق و ناصر مدنی
دانش آموز سال ششم
پس از زدن تیرهای و زدن آن
به جوخا عدا م سیرده شدند
رفیق شهید همایون کثیراکی
در میان مبارزینی که
مورد شکنجه جلادان امیرالایسم
واقع شده اند چهره ممتازی
دارد. وی هنگام شکنجه نیز
از تعریف علیه جلادان دست
نکشید بطوری که با های
او را در زندان بزنجیر
کشته بودند. خاطره این
رفیق همیشه یادآور
تسلیم ناپذیری و مقاومت
در برابر ضد خلق است.
در روز بیست و پنجم
مهرماه سال ۵۴ فدائی
خلق رفیق فرسده فرجاد

شهادت رسید. رفیق
در میان خوردستان
سازمانی ها قرار گرفت
بود پس از یک درگیری
با نیروی مجروح کرد
دومزدورسا و اکی، برای
اینکه زنده بدست
اسیر نشود با جنج کرد
تا رنگ خود به شهادت
پیوست.
سازمان رفتار را
می داد و رسم و پیمان می بند
در راه این شهادت
بهر روزی و بیروزی خطی است
از هیچ جزیره اسم
باز رفیق مصطفی صبیح الدین
بیشتر که دلیر کردار است
که در درگیری های اخیر
سر دست کردستان دلاور است
شکند و شهادت رسید
گراس مداریم.

شورای انقلاب به حمایت از قشائی مزدور لایحه قانونی تصویب کرد!

وزارت دادگستری

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شماره ۴۰۲۰۴
دوشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۵۸

شماره ۲۴۸
وزارت کشاورزی و عمران روستایی

لایحه قانونی راجع به اصلاحات وزارت مرحوم اسمعیل قشائی
سپهراب بهادری قشائی که در جلسه مورخ ۱۰/۱۰/۵۷ تصویب شورای
انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است به موجب ابلاغ میگردد.

لایحه قانونی راجع به اصلاحات وزارت مرحوم اسمعیل قشائی و مرحوم
سپهراب بهادری قشائی

ماده واحده - باتوجه به لزوم حفظ حقوق اساسی افراد و رعایت اصل تساوی
مردم در برابر قوانین و رفع اثر از مقررات خاص تبعیض آمیز مندرج در ماده
واحده مورخ ۳۸/۱/۱۶ و ماده ۳ قانون اسلامی اصلاحات ارضی مصوب
۴۰/۱۰/۱۹ و آئیننامه مصوب ۴۰/۹/۲۶ و قانون مصوب ۳۰/۳/۵۷
که در رژیم سابق بمنظور جلوگیری از اقامت و کار وزارت مرحوم اسمعیل قشائی
در استانهای فارس و اصفهان و محرومیت آنان از حق داشتن ملک مزرعه ای

ها بر مبنای اردو و غیر هم
هر تلاشی که برای بوند
نگاهداشتن حقوق کار
سینه شود آنها را بر مبنای
مسار دودین و سلبه
توهم بوده ها زوده می شود
و آنگاه نوده ها خوشی
قا در خواستند و که سینه
قضاوت میشوند.
امروز نیز شا هد آئیم
که توده های کنیری از
مردم نا آگاه دیروز،
به حقایق بی میگردند
اینبار بنا به تجربه ای
که لااقل از تمام تا امروز
کسب کرده اند، در
قضاوتشان نسبت به نیرو
های سیاسی دچار آغشاه
نمیشوند.
با بدنه توده ها نشان
داد که ناجی خلق کسی جز
کارگران و زحمتکشان
انقلابی و آگاه مبین
نست و نه نیروهای
میتوان اعتماد کرد که
به آرمان کارگران و
زحمتکشان عملا و نظرا
و فدا را سازند.

در روزی رسمی جمهوری
اسلامی، منعکس گردیده
است که خود گویای شرح
واقعیت است.
این واقعیتها از یک
طرف مواضع ما را که دمام
برای انشاء اینگونه
عناصر خود فروخته تلاش
کرده و همواره حواس تار
تعقیب و مجازات عمال
وابسته رژیم گذشته
بوده ایم، نشان میدهد و
از طرف دیگر ما هستیم
قشائی سران جمهوری
اسلامی و تعلقات آنان
را به خدا انقلابیون در بعضی
نما شهید گذارد، نباید
در اینجا یادآوری کنیم
که این جاننداری آشکار
از طرف سران جمهوری
اسلامی، در شرایطی صورت
مگرفت که زحمتکشان
روستا های فارس علیه
این خوانین حیا و لکبر
طنبان کرده بودند و ما
به هواداری از زحمتکشان
قشائی، این مزدوران
را انشاء نمودیم.
رئیسما زره طغنائی
برده از بسیاری از واقعیت

سازمان مردم آگاه
سرمه ایی است که تمام
سختی ها را بر عسوان
تکس برک و جوانان
بزرگی فارس سااد و
با اجرای خسرو قشائی
اماننده مجلس شورای
اسلامی) این سر سرد مهریم
با و عامل امیرالایسم
را سبده اند.
حال گذشته که "شورای
انقلاب" تنها به غالبترین
از کتای جمهوری اسلامی
هستی آمورگور را بعهده
داشت، با سه تعلقات
تاریخی و طغنائی خود،
رئیس عسوان "لرزم حفظ
حقوق اساسی افراد و
رعایت اصل تساوی مردم
در برابر قوانین"
(خوان حفظ و حراستار
ما اکتی بی حد و حصر را
لاجدای را بمنظور سازش
گرمی اراضی منقول
اطلاعات ارضی (که با نقی
مجلسی به خاندان قشائی
بود) محو کرد و محو کرد
احرا کدات
سدی را که مناهده
میکند. او ا و خراسال گذشته

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم سرریز پایگاه داخلی